

مبّرة الآل والأصحاب



سلسلة العلاقة الحميمة بين الآل والأصحاب (١)

احترام و تقدير متبادل بين صحابه و اهل بيت

تأليف:

مركز پژوهشها و مطالعات موسسه آل و اصحاب

این کتاب از سایت کتابخانه‌ی عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam۴۱۱.com

www.videofarda.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

مقدمه	۵
فصل اول: اهل بیت و صحابه چه کسانی اند؟	۹
اهل بیت چه کسانی هستند؟	۹
همسران پیامبر ﷺ از اهل بیت اند	۱۰
اهل بیت فضائل و مناقب بسیاری دارند	۱۴
بیان اعتقاد مسلمین در مورد اهل بیت و صحابه ﷺ	۱۶
صحابه چه کسانی اند؟	۱۸
دلایل فضائل صحابه زیاد است	۱۹
دلایلی از سنت مطهر در مورد فضایل صحابه	۲۱
اعتقاد مسلمین در مورد صحابه پیامبر ﷺ	۲۲
کسانی از اهل بیت که افتخار همراهی و خویشاوندی با پیامبر ﷺ را داشته‌اند ...	۲۴
فصل دوم: اهل بیت صحابه را می‌ستایند	۲۷
علی بن ابی طالب ﷺ و تمجید از صحابه ﷺ	۲۸
تمجید عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب از صحابه ﷺ	۳۴

- ۳۶..... تمجید امام علی بن حسین از صحابه علیهم السلام
- ۳۹..... تمجید امام محمد باقر از صحابه علیهم السلام
- ۴۰..... تمجید امام زید بن علی بن حسین از صحابه علیهم السلام
- ۴۲..... تمجید امام عبدالله بن حسن بن حسن بن علی علیهم السلام
- ۴۴..... تمجید امام جعفر صادق و ستایش صحابه علیهم السلام
- ۴۷..... تمجید امام موسی کاظم
- ۴۸..... تمجد امام رضا
- ۴۹..... تمجید امام حسن بن محمد عسکری

فصل سوم: صحابه اهل بیت پیامبر را می‌ستایند ۵۱

- ۵۱..... ابوبکر صدیق رضی الله عنه خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام را می‌ستاید
- ۵۴..... امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه و اهل بیت
- ۵۹..... ستایش عثمان بن عفان رضی الله عنه از اهل بیت علیهم السلام
- ۶۰..... طلحه بن عبیدالله و تمجید از اهل بیت علیهم السلام
- ۶۰..... سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه و بزرگداشت اهل بیت علیهم السلام
- ۶۱..... تمجید جابر بن عبدالله رضی الله عنه
- ۶۲..... ستایش و تمجید ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها از اهل بیت علیهم السلام
- ۶۴..... عبدالله بن مسعود رضی الله عنه و اهل بیت علیهم السلام
- ۶۵..... تمجید عبدالله بن عمر رضی الله عنهما
- ۶۶..... تمجید مسوره بن مخرمه رضی الله عنها

-
-
- ۶۷..... ابوهریره رضی الله عنه و ستایش از اهل بیت رضی الله عنهم
- ۶۸..... تمجید زید بن ثابت رضی الله عنه
- ۶۹..... انس و براء بن عازب و ابی سعید خدری رضی الله عنهم و تمجید از اهل بیت رضی الله عنهم
- ۶۹..... عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه
- ۷۱..... تمجید معاویه رضی الله عنه از علی و سائر اهل بیت رضی الله عنهم
- ۷۵..... خاتمه

مقدمه

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فهو المهتد، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً عبده ورسوله.

ستایش خداوندی راست که در کتابش می فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^ع
[التوبة: ١٠٠]

«الله، از پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمودند، راضی و خشنود است. و آنان نیز از الله خشنود اند و الله، برایشان باغ‌هایی آماده کرده که از فرودستش جویبارها روان است و جاودانه در آن می‌مانند. این است رستگاری بزرگ.»

آری، خداوند صحابه رضی الله عنهم را ستوده و از آنان اعلان رضایت نموده است، آیا ستایش و اعلان رضایتی فراتر از آن هم هست؟
خداوند نه تنها آنان را ستوده بلکه پیروی نیکو از آنان را نشانه هدایت و رضامندی خود قرار داده است.

یکی از موارد تحریف تاریخ این است که عده‌ای به دروغ مدعی هستند که صحابه و اهل بیت علیهم السلام با یکدیگر دشمنی داشته اند، و حال آن که چنین نبوده و بلکه خداوند در مورد آنان می‌گوید:

﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ [الفتح: ۲۹]

«در برابر کافران سرسختند و با یکدیگر مهربان».

و در سوره حدید خطاب به آنان می‌فرماید:

﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَن أنْفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلٍ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِن بَعْدُ وَقَتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [الحديد: ۱۰]

«و شما را چه شده که در راه الله انفاق نمی‌کنید و حال آنکه میراث آسمان‌ها و زمین از آن الله است؟ آن دسته از شما که پیش از فتح (مکه) انفاق کردند و (در راه الله) جنگیدند، همسان دیگران نیستند؛ (بلکه اجر و پاداش) کسانی که پس از فتح، انفاق نمودند و جنگیدند، بزرگ‌تر است. و الله به هر یک (از این دو گروه) بهشت را وعده داده است. و الله به کردارتان آگاه است».

و خداوند هرگز خلاف وعده نمی‌کند، و آیا بعد از آن که خداوند می‌فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰]

«شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده‌اید».

آیا بعد از این مسلمانی می‌تواند پروردگارش را تکذیب کند؟ و یا فرموده پیامبرش را تکذیب کند که می‌گوید: «بهترین افراد امت من کسانی اند که در قرن من زندگی می‌کنند...»^(۱).

آیا آل و اصحاب علیهم‌السلام از سابقین اولین نیستند، آیا آنان نیستند که در بهترین قرن می‌زیسته‌اند، مگر آنان مهاجرین و انصار نبودند، و آیا آنان قهرمانان فاتح نیستند، و همه شاخ و برگ یک گل دسته به شمار نمی‌آیند؟

سوگند به خدا که آنان با یکدیگر روابطی دوستانه داشتند و براساس احترام متقابل با یکدیگر رفتار می‌نمودند و با همدیگر وصلت می‌نمودند و در اعلا‌ی دین و یاری کردن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و جهاد با باطل گرایان در کنار هم و در شادوش یکدیگر انجام وظیفه می‌نمودند، همه به این آگاه هستند، پس آل و اصحاب علیهم‌السلام همه از اهل فضل و برتری می‌باشند، از این رو هر عاقلی که به دینش علاقه‌مند است باید از اهانت به آنان بپرهیزد و از بی‌زاری و ناسپاسی در حق آنان به شدت برحذر باشد. در کتابی که پیش روی دارید بخشی از نصوصی را که در آن اهل بیت صحابه را ستوده‌اند و نصوصی که در آن صحابه اهل بیت علیهم‌السلام را مورد تمجید و ستایش قرار داده‌اند، ارائه می‌کنیم، این احترام و ستایش متقابل از محبت این دو گروه نسبت به یکدیگر و گرامیداشت هریک دیگری را، نشأت گرفته است، چرا چنین نباشد؟ و حال آن که اصحاب همواره وصیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را

۱- بخاری [۳۶۵۰، ۳۶۵۱] کتاب فضائل الصحابه، باب فضائل أصحاب النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

در مورد اهل بیتش به خاطر داشتند که روز غدیر خم^(۱) فرمود: «در رفتار با اهل بیتم خداوند را مد نظر داشته باشید» سه بار این جمله را تکرار کرد^(۲). همانطور که اهل بیت می‌دانستند که اصحاب این دین را یاری کرده‌اند و هجرت نموده‌اند و برای اعلا و سربلندی دین زن و فرزند خویش را ترک گفته‌اند.

خداوند محبت صحابه و اهل بیت علیهم السلام و پیروی از آنان را به همه ما عطا نماید، و ما را به آنان در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت جمع نماید. آمین.

۱- جایی است بین مکه و مدینه.

۲- مسلم ۲۴۰۸.

فصل اول:

اهل بیت و صحابه چه کسانی اند؟

اهل بیت چه کسانی هستند؟

علما در این مورد اقوال و دیدگاه‌های متعددی دارند، اما قول راجح این است که اهل بیت بنی هاشم هستند، چون آنان کسانی‌اند که گرفتن زکات بر ایشان حرام است^(۱)، چون مسلم از زید بن ارقمرضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: «... روزی پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم در کنار آبی به نام "خم" واقع بین مکه و مدینه در میان ما ایستاد و سخنرانی نمود، ایشان بعد از حمد و ستایش خدا موعظه نمود و سپس گفت: ای مردم! همانا من انسان هستم و به زودی به فرستاده پروردگارم اجابت می‌کنم، و در میان شما دو چیز گران را می‌گذارم: اول کتاب خدا که سرشار از هدایت و نور است، پس به کتاب خداوند تمسک بجوئید. و به تمسک به کتاب خدا تشویق نمود، سپس گفت: و اهل بیت من، در رفتار با اهل بیت من خداوند را مد نظر داشته باشید، در رفتار با اهل بیت من خداوند را مد نظر داشته باشید، در رفتار با اهل بیت من خداوند را مد نظر داشته باشید، در رفتار با اهل بیت من خداوند را مد نظر داشته باشید، در رفتار با اهل بیت من خداوند را مد نظر داشته باشید، در رفتار با اهل بیت من خداوند را مد نظر داشته باشید، در رفتار با اهل بیت من خداوند را مد نظر داشته باشید، در رفتار با اهل بیت من خداوند را مد نظر داشته باشید».

۱- برای تفصیل بیشتر در این مورد به کتاب «استجلاب ارتقاء الغرف للسخاوی ص ۱۲۷

مراجعه شود».

بیت او نیستند؟ گفت: زنان اش از اهل بیت او هستند، ولی اهل بیت او کسانی اند که بعد از ایشان صدقه بر آنان حرام است، گفت: و آنان چه کسانی اند؟ گفت: آنان آل علی و آل عقیل و آل جعر و آل عباس می باشند...»^(۱).

و از جمله دلایل این مطلب که اهل بیت بنی هاشم هستند، این است که عبدالمطلب بن ربیع بن حارث بن عبدالمطلب و فضل بن عباس رضی الله عنهما نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتند و از ایشان خواستند که آنها را مسئول صدقه (زکات) قرار دهد تا مالی به آنان برسد و ازدواج نمایند، پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها گفت: «صدقه شایسته آل محمد نیست، و صدقه و زکات چرک اموال مردم است»^(۲).

و از این معلوم می شود که عموزاده های پیامبر صلی الله علیه و آله امثال فرزندان علی و جعفر و عقیل و فرزندان عباس و فرزندان ابولهب و فرزندان حارث بن عبدالمطلب و دیگر کسانی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله که مسلمان شده اند اهل بیت هستند.

همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از اهل بیت اند

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ ۗ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^(۳)

[الأحزاب: ۳۳]

۱- صحیح مسلم [۲۴۰۸] کتاب فضائل الصحابه، باب فضائل علی ابن ابی طالب رضی الله عنه

۲- صحیح مسلم [۱۰۷۲]. باب ترک استعمال آل النبی الصدقه.

«و در خانه‌هایتان قرار بگیرید و به شیوه‌ی دوران جاهلیت پیشین، اظهار زینت نکنید و نماز را برپا دارید و زکات دهید و از الله و پیامبرش اطاعت نمایید. ای خانواده‌ی پیامبر! به راستی الله می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و چنان‌که باید شما را پاکیزه سازد.»

آیه به صراحت می‌گوید که همسران پیامبر از اهل بیت ایشان هستند، و این نشانه آن نیست دیگران از اهل بیت پیامبر نیستند، چون عموم لفظ اعتبار دارد نه سبب خاص آن.

عکرمه از ابن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که در مورد این آیه گفت: این آیه در مورد زنان پیامبر علیهم السلام نازل شده است.

سپس عکرمه گفت: «هرکسی می‌خواهد من با او مباحله می‌کنم که این آیه در باره زنان پیامبر علیهم السلام نازل شده است»^(۱).

و ابن قیم در کتاب جلاء الأفهام صفحه [۳۳۱ - ۳۳۳] این نظریه را به عنوان دلیل کسانی که می‌گویند همسران پیامبر علیهم السلام در اهل بیت او داخل اند، ذکر کرده و می‌گوید: به خصوص همسران پیامبر علیهم السلام در آل بیت ایشان داخل اند چون ارتباط آن با پیامبر داریم است و در زندگی و بعد از حیات پیامبر بر دیگران حرام اند. و در دنیا و آخرت همسران پیامبر علیهم السلام می‌باشند، پس این ارتباط و پیوستگی که آنان با پیامبر دارند به جای ارتباط نسبی قرار می‌گیرد، و پیامبر علیهم السلام تصریح کرده است که بر آنان درود فرستاده شود، از این رو قول صحیح - که امام

۱- سیر اعلام النبلاء ۲ / ۲۰۸. و محقق آنرا صحیح الاسناد گفته است.

احمد رحمه الله به آن تصریح نموده - این است که صدقه و زکات بر آنان حرام می‌باشد، و خداوند متعال ساحت والای پیامبر صلی الله علیه و آله را از آلوده شدن به چرک‌های اموال مردم مصون داشته است».

و تعجب است! چگونه همسران او شامل این گفته پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «بار خدایا! روزی آل محمد به اندازه قوت بگردان» نمی‌شوند! ^(۱) و فرموده او صلی الله علیه و آله در اضحیه «اللهم هذا عن محمد وآل محمد» ^(۲) «بار خدایا! این از جانب محمد و خاندان محمد»، و عائشه رضی الله عنها گفته است: «آل محمد از نان گندم سیر نشده‌اند» ^(۳) و می‌گوئیم: مراد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله است، و در گفته‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله که «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ» ^(۴) شامل می‌شدند، اما در این جمله که فرمود: «صدقه برای محمد و آل محمد حلال نیست» ^(۵) شامل نمی‌شوند!

با این که زکات چرک اموال مردم است و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به صیانت و دور بودن از آن سزاوارترند.

۱- مسلم [۱۰۵۵] بروایت ابوهریره رضی الله عنه، کتاب زکات.

۲- ابوداود [۱۷۵] کتاب مناسک.

۳- لفظ نزدیک به این حدیث در بخاری [۵۴۱۶] کتاب الأَطْعَمَة، و در صحیح مسلم [۲۹۷۰] کتاب الزهد آمده است.

۴- صحیح بخاری [۴۷۹۷] کتاب التفسیر.

۵- صحیح مسلم [۱۰۷۲].

اگر گفته شود: اگر استفاده از زکات بر زنان پیامبر علیهم السلام حرام می بود بر کنیزان آنان نیز حرام می شد، چون بر موالی و برده های بنی هاشم مانند خودشان استفاده از زکات حرام بوده است، در روایت صحیح آمده که گوشتی از صدقه به بریره دادند و او آن را خورد، و پیامبر صلی الله علیه و آله منع نکرد، با این که بریره کنیز عائشه رضی الله عنها بود.

گفته شده: این شبهه را کسانی مطرح می نمایند که می گویند: استفاده از صدقه برای همسران پیامبر صلی الله علیه و آله جایز است، پاسخ این شبهه این است که حرمت صدقه برای همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به طریق اصالت نیست و بلکه تابع تحریم آن بر پیامبر است، و گرنه صدقه قبل از مرتبط شدن آنان به پیامبر برای آنان حلال بوده، پس آنان در این تحریم فرع قرار گرفته اند و تحریم صدقه بر غلامان و موالی فرع تحریم آن برای اربابشان است، و از آن جا که صدقه اصالتاً برای بنی هاشم حرام است غلامهایشان به تبع آنان صدقه برایشان حرام است، و چون حرمت صدقه برای همسران پیامبر صلی الله علیه و آله اصالتاً نیست و با تبع می باشد، از این کنیزان و غلامهایشان تبع آنان نمی شدند، چون فرع فرع هستند.

گفته اند: خداوند می فرماید: ﴿وَمَنْ يَقْنَتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعَمَلْ صَالِحًا نُؤْتِيهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿۳۱﴾﴾ [الأحزاب: ۳۱]

«و هر کس از شما، از الله و پیامبرش فرمان ببرد و کار شایسته انجام دهد، پاداشش را دو بار به او می دهیم و برایش روزی نیکی آماده کرده ایم.»

و می فرماید: ﴿وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا﴾ [الأحزاب: ۳۴]

«و یاد کنید آنچه را که از آیات الله و حکمت، در خانه هایتان خوانده می شود. بی گمان الله، آگاه و دارای لطف بی کران است.»

می گوید: پس همسران ایشان از اهل بیت قرار گرفتند چون در همه این آیات آنان مخاطب هستند، پس جایز نیست که آنان را در هیچ موردی خارج از اهل بیت قرار داد. پایان سخن ابن قیم رحمه الله. والله تعالی اعلم، و در آنچه گفتیم ان شاء الله کفایت است.

اهل بیت فضائل و مناقب بسیاری دارند

خداوند می فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ [الأحزاب: ۳۳]

«ای خانواده ی پیامبر! به راستی الله می خواهد پلیدی را از شما دور کند و چنان که باید شما را پاکیزه سازد.»

و مسلم از یزید بن حیان روایت می کند که گفت: من و حصین بن سبره و عمر بن مسلم نزد زید بن ارقم رضی الله عنه رفتیم، وقتی نشستیم، حصین به او گفت: ای زید خوبی و خیر فراوانی دیده ای: پیامبر صلی الله علیه و آله را دیده ای و سخن ایشان را شنیده ای و همراه ایشان به جهاد رفته ای و پشت سر ایشان نماز خوانده ای، به راستی ای زید خوبی های فراوانی دیده ای، ای زید از پیامبر صلی الله علیه و آله آنچه شنیده ای برای ما بگو،

زید گفت: ای برادرزاده‌ام! سوگند به خدا سن من بالا رفته و پیر شده‌ام و بعضی از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله را که به خاطر می‌سپردم از یاد برده‌ام، پس آنچه برایتان گفتم بپذیرید، و آنچه نگفتم مرا بدان مکلف نکنید، سپس گفت: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در محل آبی به نام خم که بین مکه و مدینه قرار دارد در میان ما به سخنرانی ایستاد، حمد و ستایش خدا را گفت و موعظه و پند داد، سپس گفت: اما بعد! ای مردم من انسانی بیش نیستم شاید به زودی فرستاده پروردگارم بیاید و من اجابت کنم، و من در میان شما دو چیز گران‌مایه می‌گذارم: اول کتاب خدا که سرشار از هدایت و نور است، پس به کتاب خدا تمسک بجوئید» و به تمسک بر کتاب خدا تشویق نمود و سپس گفت: «و اهل بیتم در مورد اهل بیتم خدا را مد نظر داشته باشید» سه بار تکرار کرد» آنگاه حصین به او گفت: اهل بیت او چه کسانی اند ای زید؟ آیا زنانش از اهل بیت او نیستند؟ گفت: همسرانش از اهل بیت ایشان هستند، ولی اهل بیت او کسانی‌اند که صدقه بر آنان حرام است، گفت و آنان چه کسانی‌اند؟ گفت: آنان آل علی و آل عقیل و آل جعفر و آل عباس می‌باشند، گفت: آیا صدقه بر همه این‌ها حرام است؟ گفت: بله^(۱).

و بخاری از ابی حمید ساعدی رضی الله عنه روایت می‌کند که آنان گفتند: ای رسول خدا! چگونه بر شما درود بفرستیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

۱- صحیح مسلم [۲۴۰۸] کتاب فضائل صحابه، باب فضائل علی رضی الله عنه.

مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارَكْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»^(۱).

«بار الها! بر محمد صلی الله علیه و آله و همسران و فرزندان درود بفرست همچنان که درود فرستادی بر آل ابراهیم. و بر محمد صلی الله علیه و آله و همسران و فرزندان برکت نازل گردان همچنان که بر آل ابراهیم نازل فرمودی. همانا تو ستوده و با عظمت هستی.»

پس در مهم‌ترین رکن اسلام - نماز - خداوند بر ما فرض نموده که بر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرستیم. و از آن جمله حدیثی که امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر سبب و نسبی روز قیامت قطع می‌گردد جز سبب و نسب من»^(۲).

بیان اعتقاد مسلمین در مورد اهل بیت و صحابه علیهم السلام

تردیدی نیست که شجره هاشمی بهترین نسب است، و محبت مسلمین با بنی هاشم به دنبال محبت آنان با پیامبر صلی الله علیه و آله است، و این محبت فرض و واجبی است که مسلمین به خاطر انجام آن پاداش می‌بینند، مسلمین بنی هاشم را دوست

۱- صحیح بخاری [۳۶۶۰] کتاب الدعوات.

۲- طبرانی المعجم الاوسط [۵۶۰۶] و آلبانی در السلسلة الصحيحة ۵ / ۵ (۲۰۳۶) می‌گوید:

این حدیث از عبدالله بن عباس و عمر بن خطاب و مسور بن مخرمه و عبدالله بن عمر رضی الله عنهم روایت شده است.

دارند چون آنان اسلام آورده اند و در اسلام پیشگام شده و از خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آنان توصیه کرده است. مردم در مورد بنی هاشم و خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله به دو دسته تقسیم شده‌اند: بعضی در محبت خویشاوندان پیامبر افراط کرده و بعضی کوتاهی ورزیده اند، اما راه درست و سخن درست این است که محبت به آنان واجب است، اما این محبت باید به دور از افراط و تفریط باشد، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از اهل بیت ایشان هستند، و گرچه اهل بیت دارای فضائل بزرگی بوده اند، اما کسانی وجود دارند که با توجه موارد دیگری از بعضی از اهل بیت افضل و برتر اند، چون فقط پیامبر صلی الله علیه و آله معصوم است.

محبت اهل بیت شرایطی دارد که مهم‌ترین آن عبارت است:

- آنان مسلمان باشند، و اگر مسلمان نبودند با آنان محبت و دوستی نمی‌شود، و اگر تنها خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله کافی بود ابولهب به سبب خویشاوندی ایشان نجات می‌یافت.
- پیرو رهنمود پیامبر صلی الله علیه و آله باشند؛ چنانکه در صحیح مسلم آمده است: هان آگاه باشید خاندان فلانی اولیا من نیستند ولی دوست من فقط الله و مؤمنانی صالح هستند»^(۱).

۱- مسلم [۲۱۵] کتاب الایمان.

علمای اهل سنت در کتاب‌های اعتقادی به این واجب اشاره کرده اند، از آن جمله امام طحاوی ت (۳۲۱ هـ) در کتاب عقیده معروفش، و امام بربهاری ت (۳۲۹ هـ) و آجری ت (۳۶۰ هـ) در الشریعه و اسفرائین ت (۴۷۱ هـ)، و قحطانی ت (۳۷۸ هـ) در نونیه اش و ابن قدامه مقدسی ت (۶۲۰ هـ) در لمعة الاعتقاد، و شیخ الاسلام ابن تیمیه ت (۷۲۸ هـ) در الواسطیة و ابن کثیر دمشقی ت (۷۷۴ هـ) در تفسیرش و محمد بن وزیر یمانی ت (۸۴۰ هـ) در ایثار الحق علی الخلق، و صدیق حسن خان ت (۱۳۰۷ هـ) در کتاب الدین الخالص و عبدالرحمن بن ناصر السعدی ت (۱۳۷۶ هـ) در التنبیهاة اللطیفه و غیره در کتاب‌هایشان این مطلب را بیان کرده اند^(۱).

صحابه چه کسانی اند؟

حافظ ابن حجر می‌گوید: «بهترین تعریف واژه صحابه این است که صحابی کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله را دیده و به ایشان ایمان آورده و بر اسلام وفات یافته است»^(۲).

پس بنابراین، کسانی از اهل بیت که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده اند و مسلمان شده‌اند آنان نیز صحابی هستند، به خاطر این بسیاری از کتاب‌ها صحابه را ذکر می‌کند بدون آن که اهل بیت را از آنان جدا نماید.

۱- استجلاب ارتقاء الغرف با اندکی تصرف [۱۶۵ - ۱۷۸].

۲- الاصابه ص ۸.

دلایل فضائل صحابه زیاد است

الله تعالی می فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [آل عمران: ۱۱۰]

«شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده‌اید؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به الله ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند، برایشان بهتر بود. برخی از ایشان ایمان دارند و بیشترشان، فاسق و گمراهند.»
اگر صحابه مشمول این آیه نباشند پس غیر از آنان چه کسی مشمول آیه خواهد بود؟

و می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾ [البقرة: ۱۴۳]

«و این چنین شما را امتی برگزیده و میانه‌رو قرار دادیم.»
وسط یعنی برگزیدگان مردم، و صحابه و اهل بیت نخستین مخاطبان این آیه هستند و از همه امت به شامل شدن در مفهوم آیه اولی‌ترند.

و می فرماید: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ [الفتح: ۱۸]

«به یقین الله از مؤمنان که زیر درخت با تو بیعت کردند، راضی شده است؛ او از آنچه در دل‌هایشان می‌گذشت، آگاه بود. پس آرامش را بر آنان نازل کرد و پیروزی نزدیکی به آنان پاداش داد.»

هرکسی که خداوند از او راضی و خوشنود باشد هرگز خداوند از او ناراضی نخواهد شد، چون خداوند غیب می‌داند و امکان ندارد که خلف وعده کند.

و می‌فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ مِنْ الْمُهِجْرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ [التوبه: ۱۰۰]

«الله، از پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمودند، راضی است. و آنان نیز از الله خوشنودند»

و می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأنفال: ۶۴]

«ای پیامبر! الله برای تو و مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند، کافی است.»

و می‌فرماید:

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهِجْرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸]

«(و نیز بخشی از اموال فیء) از آن فقیران مهاجری است که از دیار و اموالشان بیرون رانده شده‌اند؛ فضل (و نعمت الله) و خوشنودی او را می‌طلبند و الله و پیامبرش را یاری می‌کنند. ایشان، همان راستگویانند.»

خداوند خبر داده است که آنان صادق و راستگویند، پس وقتی خداوند آنان را به صدق وصف نموده این دلیلی است بر این که آنان منافق نیستند.

و اگر فقط هجرت و جهاد و جانفشانی و فداکردن اموال و کشتن پدران و فرزندان به خاطر دین و صبر و بردباری در دین، و قوت ایمان و یقین، آن‌ها را در نظر بگیریم همین فضائل آنان را کافی است.

دلایلی از سنت مطهر در مورد فضایل صحابه

عبدالله بن مغفل روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «از خداوند در مورد صحابه من بترسید، از خداوند در باره‌ی صحابه من بترسید، بعد از من آنان را نشانه قرار ندهید، هرکس آنان را دوست بدارد از دوستی من آنان را دوست داشته است و هرکسی با آنان دشمنی نماید از دشمنی من با آنان دشمنی ورزیده است، و هرکسی با آنان آزار رساند مرا آزار رسانده و هرکسی مرا آزار دهد خداوند را آزار داده و هرکسی خدا را آزار دهد به زودی او را خواهد گرفت»^(۱).

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به اصحاب و یارانم ناسزا نگوئید، به اصحابم ناسزا نگوئید، سوگند به کسی که جانم در دست اوست اگر فردی از شما به اندازه کوه احد طلا صدقه بدهد به اندازه مشت آنان و نصف مشت آنان نمی‌رسد»^(۲).

۱- ترمذی [۳۸۶۲]. باب من سب أصحاب النبی صلی الله علیه و آله.

۲- صحیح مسلم [۲۵۴۰] کتاب فضایل الصحابه.

و این گفته پیامبر صلی الله علیه و آله به تواتر روایت است که فرمود: «بهترین مردم کسانی‌اند که در قرن من زندگی می‌کنند و سپس کسانی که بعد از آن‌ها می‌آیند...»^(۱).
 از بهز بن حکیم از پدرش او از جدش روایت میکند که گفت: شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «همانا که شما هفتادمین امت هستید که بوسیله شما تعداد امته‌ها به اتمام می‌رسد. امتی که شما بهترین و گرامی‌ترین آن‌ها در نزد خداوند عز و جل هستید»^(۲).

اعتقاد مسلمین در مورد صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله

با توجه به دلایل قرآنی و نبوی و غیره که گذشت مسلمین معتقدند که صحابه رضی الله عنهم بعد از پیامبران بهترین انسان‌ها هستند.
 و معتقد که مسلمین بعد از وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله ابوبکر رضی الله عنه را به عنوان خلیفه انتخاب کردند، و سپس ابوبکر بعد از خود عمر رضی الله عنه را به عنوان جانشین خویش انتخاب نمود و سپس شورایی که عمر رضی الله عنه تعیین کرده بود افراد شورا و سایر مسلمین عثمان رضی الله عنه را به عنوان خلیفه پذیرفتند، و بعد از او مسلمین با علی بن ابی طالب رضی الله عنه بیعت کردند که کسانی در جنگ بدر حضور داشتند مانند عمّار بن یاسر و سهل بن حنیف و سائر صحابه با او بیعت نمودند.

۱- صحیح بخاری [۳۶۵۰] کتاب فضایل اصحاب النبی صلی الله علیه و آله و صحیح مسلم [۲۵۳۳] کتاب فضایل الصحابه.

۲- مسند امام احمد [۲۰۰۴۱] و شعیب الارناؤوط سند آن را حسن گفته است.

و معتقدند صحابه افضل و برترند، چون خداوند می فرماید: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾ [الفتح: ۱۸]

«به یقین الله از مؤمنان که زیر درخت با تو بیعت کردند، راضی شده است»
و می فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ﴾ [التوبة: ۱۰۰]

«الله، از پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمودند، راضی است. و آنان نیز از الله خشنودند و الله،»
و کسانی که خداوند از آنان اعلام رضایت نموده اینگونه نبوده اند که بعداً کاری کنند که موجب نارضایتی خداوند شود، و در مورد تابعین رضایت الهی به شرط آن است که به نیکویی از صحابه علیهم السلام پیروی کنند، پس کسانی که بعد از صحابه می آیند و صحابه را مورد طعن و عیب جویی قرار می دهند بهره ای از رضایت الهی ندارند^(۱).

و وقتی از حسن بصری در مورد جنگ صحابه با یکدیگر پرسیدند چه زیبا گفت: «جنگی بوده که اصحاب محمد در آن حضور داشته اند و ما نبوده ایم و آنان دانسته و ما ندانسته ایم، در آنچه آنان اتفاق کرده اند ما از آنان پیروی نموده ایم و در آنچه اختلاف کرده اند توقف می نمائیم».

۱- اعتقاد أئمة الحديث اسماعیلی [۱ / ۱۷] و نگا: «لمعة الاعتقاد ابن قدامة» [۱ / ۱۷۱] و شرح

عقیده الطحاویة ابن ابی العز [۱ / ۴۸۵] و غیره.

و سلف این نظریه را برگزیده اند که در مورد فتنه‌های صدر اسلام سخنی نگویند و گفته اند: خون‌هایی بوده که خداوند دست ما را به آن آلوده نکرده، پس ما زبان خود را نیز به آن آلوده نمی‌کنیم^(۱).

و صحابه بهترین الگو برای ما هستند: ﴿وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰]

«در دل‌هایمان هیچ کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده؛ ای پروردگاران! بی‌گمان تو، بخشاینده‌ی مهرورزی.»

کسانی از اهل بیت که افتخار همراهی و خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله را داشته‌اند

کسانی از اهل بیت که به افتخار همراهی و هم صحبت پیامبر نایل آمده‌اند و هم افتخار خویشاوندی با ایشان را داشته‌اند از مردان عبارتند از: عباس و حمزه فرزندان عبدالمطلب، جعفر و علی فرزندان ابوطالب، حسن و حسین فرزندان علی، عبدالله و محمد فرزندان جعفر، ابوسفیان نوفل و ربیع و عبیده فرزندان حارث بن عبدالمطلب، و بعضی از فرزندان عباس بن عبدالمطلب، و عقیل بن ابی طالب رضی الله عنهم اجمعین، و از زنان: دخترانش فاطمه و رقیه و أم کلثوم و زینب، و دختران دخترانش أم کلثوم و زینب دختران علی بن ابی طالب. و همسرانش خدیجه و سوده و عائشه و حفصه و زینب بنت خزیمه و ام سلمه هند بنت امیه و زینب بنت جحش و جویریة مصطلقی و ام حبیبه رمله بنت

۱- عون المعبود [۱۲ / ۲۷۴]

ابوسفیان و صفیه بنت حبیب بن اخطب و میمونه بنت حارث و از عمه‌هایش صفیه و آروی و عاتکه، و از دختر عموهایش ام هانی دختر ابی طالب و دره بنت ابی لهب و غیره رضی الله عنهن^(۱).

۱- برای آگاهی بیشتر به کتاب: «معالی الرتب لمن جمع بین شرفی الصحبة والنسب، مساعد سالم العبد الجادر» و کتاب «الأسماء والمصاهرات استاد اسماعیلی» مراجعه کنید.

فصل دوم:

اهل بیت صحابه را می ستایند

همانا خداوند به دل‌های بندگان نگاه کرد پس دل محمد ﷺ از دل‌های همه مردم بهتر دید، از این رو آن را برگزید و ایشان را به عنوان رسول مبعوث کرد، سپس به دل‌های بندگان نگاه کرد دید که بعد از دل محمد دل‌های صحابه بهترین دل‌هاست از این رو آنان را وزیران پیامبرش قرار داد که برای دین خدا می‌جنگند^(۱).

خداوند از بالای هفت آسمان صحابه را تائید و تزکیه کرده است و می‌فرماید: «وَالسَّيِّقُونَ الْأَوْلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾»

«الله، از پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمودند، راضی است. و آنان نیز از الله خوشنودند و الله، برایشان باغ‌هایی آماده

۱- روایت معروفی است از ابن مسعود رضی الله عنه، مسند احمد ۳۶۰۰ و عجلونی در کشف الخفاء و البانی در شرح عقیده طحاویه آن را حسن دانسته است.

کرده که از فرودستش جویبارها روان است و جاودانه در آن می‌مانند. این است رستگاری بزرگ».

که در این آیه تصریح شده که خداوند از مهاجران و انصار و کسانی که به نیکویی از آنان پیروی می‌کنند راضی است، و آنان را به رستگاری بزرگ و جاودانه‌ماندن در بهشت مژده داده است، پس چه زبانی بعد از این رضامندی خداوندی بر آنان لعنت می‌فرستد، یا به بدی از آنان یاد می‌کند؟!

و آن کدام وجدان است که صحابه را مورد عیب‌جویی قرار می‌دهد و صفحات مسمومی را در طعنه‌زدن به آنان با دست خودش می‌نویسد، و حال آن که خداوند - که هرگز خلاف وعده نمی‌کند - وعده داده است که به زودی صحابه دنیا را به سوی بهشتی که رودها از زیر کاخ‌های آن روان است ترک خواهند کرد و برای همیشه در آن بهشت می‌مانند و رستگار هستند.

و راست گفته اند که فضل و برتری اهل فضل را فقط کسانی می‌دانند که خود دارای فضل باشند، از این رو اهل بیت پیامبر علیهم السلام در شناخت جایگاه صحابه نزد خدا و پیامبرش از دیگران پیشگام بودند.

علی بن ابی طالب علیه السلام و تمجید از صحابه علیهم السلام

علی بن ابی طالب علیه السلام اصحاب رسول خدا را اینگونه توصیف می‌نماید: «اصحاب محمد صلی الله علیه و آله را دیده‌ام هیچکسی از شما با آنان مشابهت ندارد، آنان صبحگاهان ژولیده‌مو و غبارآلود بودند، زیرا شب را با نماز و سجده به صبح رسانده بودند، و وقتی به یاد آخرت و معاد می‌افتادند گویا بر اخگر و آتش

ایستاده اند، گویا در پیشانی ایشان زانوی شتر بود. از بس که سجده‌های طولانی می‌کردند، هرگاه یاد خدا می‌شد اشک از چشمان‌شان سرازیر می‌شد تا جایی که گریبان‌شان خیس می‌شد و از ترس عذاب و امید به ثواب چون درخت در روز طوفانی، به خود می‌لرزیدند»^(۱).

و از علی رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خوشا به حال کسی که مرا دیده یا کسی را دیده که او مرا دیده یا کسی را دیده که او مرا دیده است»^(۲).

وقتی دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله و دیدن کسانی که ایشان را دیده‌اند و دیدن کسانی که افرادی را دیده‌اند که کسانی را دیده‌اند که پیامبر را دیده‌اند، چنین فضیلت بزرگی دارد، پس چگونه به خود جرأت می‌دهیم که در حق این نسل بزرگی که خدا و پیامبرش آنان را تزکیه کرده‌اند جسارت کنیم.

و علی رضی الله عنه در بیان حالت خود و حالت اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و قهرمانی آنان در برابر دشمن می‌گوید: «ما همراه پیامبر صلی الله علیه و آله پدران و فرزندان و برادران و عموهایمان را می‌کشتیم، و این کار به ما جز ایمان و تسلیم و ادامه‌دادن راه و بردباری در برابر تلخی‌های درد و جدیت در جهاد دشمن چیزی نمی‌افزود، هر فردی از ما وقتی با فردی از دشمن روبرو می‌شد مانند دو شتر نر بر یکدیگر یورش می‌بردند و هریک با تمام قدرت می‌کوشید طرف مقابل را به کام مرگ

۱- نهج البلاغه [۱۴۳].

۲- بحار الأنوار مجلسی [۲۲ / ۳۱۳] و نگاه: امالی ابن‌الشیخ ص [۲۸۱-۲۸۲].

بفرستد، گاهی ما پیروز می‌شدیم و گاهی دشمن، و وقتی خداوند دید که صادقانه با دشمن می‌جنگیم دشمنان ما را شکست داد و ما را پیروز گردانید تا آن که تا این که اسلام مستقر و استوار گردید، سوگند به خدا! اگر کارهای که شما می‌کنید ما می‌کردیم دین پا نمی‌گرفت و سوگند به خدا خون می‌دوشید و پیشیمان خواهید شد»^(۱).

و وقتی عمر رضی الله عنه با علی رضی الله عنه در مورد جنگ با رومیان مشوره کرد او گفت: اگر خودت به سوی این دشمن بروی و در رویارویی با آنان کشته شوی مسلمین پناهگاه و مرکزی نخواهند داشت، و بعد از تو مرجعی نخواهند داشت که به آن مراجعه کنند، پس فردی جنگجو را به سوی رومیان بفرست و افراد ماهر و دلسوز را همراه او روانه کن، اگر خداوند پیروزی آورد که خوب است، و اگر غیر از این شد تو پناه‌گاه و مرجع مسلمین خواهی بود»^(۲).

و همچنین خطاب به عمر رضی الله عنه می‌گوید: خود محور باش و عرب‌ها را پیرامون خود به حرکت دریاور، آنان را به معرکه جنگ بفرست و خودت باقی بمان، چون اگر تو از این سرزمین بیرون بروی عرب‌ها از اطراف و گوشه‌های این سرزمین علیه تو بلند خواهند شد، و چنان خواهی شد که آنچه پشت سر گذاشته‌ای برایت از آنچه روبه رویت هست مهم‌تر خواهد بود، اگر عجم‌ها فردا تو را ببینند خواهند گفت: این اساس و پایه عرب‌هاست، اگر آن را قطع کنی

۱- نهج البلاغه [۱۰۵].

۲- نهج البلاغه [۱۳۴].

راحت می شود، و به خاطر این بیشتر به تو هجوم می آورند و به کشتن تو طمع می ورزند^(۱).

و علی علیه السلام بعد از وفات عمر بن خطاب رضی الله عنه او را می ستاید و می گوید: «به راستی او چه کارهای خوبی کرد، کجی را راست نمود و بیماری را دوا کرد و سنت را برپا داشت و فتنه را برای بعد از خود گذاشت! او پاکیزه و با عیب اندک رفت، خیر را به دست آورد و از شرّ پیشی گرفت، طاعت الهی را به جا آورد و تقوای الهی را به گونه شایسته رعایت کرد، رحلت کرد و آنان را در راه های مختلف رها کرد که گم گشته در آن راهی نمی یابد و راه یافته به یقین و باور نمی رسد»^(۲).

ابن ابی الحدید^(۳) در توضیح این متن در شرح نهج البلاغه می گوید: (لله بلاء فلان) منظور عمر بن خطاب است، و نسخه ای با خط رضی ابوالحسن^(۴) دیدم

۱- نهج البلاغه ص [۲۰۳] خطبه [۱۴۶].

۲- نهج البلاغه ص [۲۲۲]

۳- ابن ابی الحدید: نام او عز الدین عبد الحمید بن محمد بن الحسین بن ابی الحدید المدائنی است. ادیب و شاعر است که بزرگترین شرح نهج البلاغه و نیز القصائد السبع العلویات از آن اوست. در سال ۵۸۶ هجری بدنیا آمد و در سال ۶۵۵ هجری وفات یافت. شیخ عباس قمی درباره زندگی او در کتاب الکنی و الالقاب ج ۱ ص ۱۹۲ نوشته و از او تمجید کرده است.

۴- رضی ابو الحسن: او محمد بن الحسین بن موسی بن ابراهیم بن موسی الکاظم ادیب و دانشمند است که در سال ۳۵۹ هجری بدنیا و در سال ۴۵۶ هجری از آن درگذشته است.

که زیر کلمه (فلان) نوشته بود عمر، این را فخار بن معد موسوی اودی شاعر به من گفت^(۱).

و همچنین علی بن ابی طالب علیه السلام در جایی دیگر عمر رضی الله عنه را می ستاید و می گوید: «و فرمانروایی بر آنان فرمانروایی کرد، او همه چیز را راست و درست نمود تا آن که دین استوار گردید»^(۲).

ابن ابی الحدید می گوید: این فرمانروا عمر است^(۳).

امام احمد از محمد بن حاطب روایت می کند که گفت: از علی شنیدم که می گفت: ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ﴾ عثمان از آنان است^(۴).

و از محمد بن حنفیه روایت است: «به علی خبر رسید که عائشه قاتلان عثمان را لعن کرده است، آنگاه او دست هایش را بلند کرد و گفت: من هم قاتلان عثمان را همه جا لعنت می کنم. دو بار یا سه بار این جمله را تکرار کرد»^(۵).

شیخ عباس قمی درباره زندگی او در کتاب الکنی و الالقاب ج ۲ ص ۲۷۲ نوشته و ثابت کرده که جمع آوری نهج البلاغه دستاورد او است.

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید [۴ / ۱۰۸]

۲- نهج البلاغه [۴ / ۱۰۸]

۳- حواله پیشین [۲۰ / ۲۱۸] .

۴- فضائل الصحابه [۷۷۱] و محقق اسناد آن را صحیح دانسته است.

۵- فضائل الصحابه [۷۳۲]

و علی علیه السلام دخترش ام کلثوم را به ازدواج عمر بن خطاب رضی الله عنه درآورد، چنانکه در کتاب‌های شرح حال و تاریخ و انساب و سیرت و حدیث و فقه ^(۱) ذکر شده است، و این بهترین دلیل روابط خوب و محکم علی و عمر است. مالک اشتر نخعی از یاران نزدیک علی ابوبکر و عمر را می ستاید و می گوید: «اما بعد خداوند این امت را با پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله گرامی داشت و آنان را متحد و بر مردم پیروز گردانید، بعد از وفات پیامبر گروهی صالح و شایسته زمام حکومت را به دست گرفتند که به کتاب و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کردند، خداوند بهترین پاداش را به آنان بدهد» ^(۲).

و همچنین در خطبه‌ای دیگر می گوید: «ای مردم! خداوند پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله را در میان شما به عنوان بشارت‌دهنده و ترساننده مبعوث کرد، و کتاب را برایشان نازل فرمود که در آن حلال و حرام و فرائض و سنن بیان شده‌اند، و سپس پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی وفات یافت که وظیفه‌اش را انجام داده بود، پس از آن ابوبکر خلیفه شد و در راه پیامبر حرکت نمود و به سنت ایشان اقتدا کرد، و

۱- این پیوند و ازدواج تمام روایات دروغین را رد می کند. روایاتی که می گویند عمر بن الخطاب فاطمه را آنقدر کتک زد تا وقتی جنین اش سقط شد. اگر فرض کنی که مردی بیاید و همسرت را کتک بزند و باعث شود فرزندت از بین برود آیا حاضر هستی آن را به دامادی خود قبول کنی یا اینکه فرزندت را به نام او بخوانی. برای اطلاع یافتن از این واقعیت تاریخی به کتاب «ازدواج عمر بن الخطاب با ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب حقیقت است نه بهتان» نوشته احمد ابراهیم مراجعه نمایید.

ابوبکر عمر را به عنوان جانشین خود انتخاب کرد، و او همان سنت و شیوه را پیش برد»^(۱).

تمجید عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب از صحابه علیهم السلام

دانشمند امت و ترجمان قرآن عبدالله بن عباس رضی الله عنه در مورد صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید: خداوند یارانی را برای پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله برگزید که جان و مال خویش را فدای ایشان صلی الله علیه و آله کردند، و خداوند در کتابش در توصیف یاران پیامبر می‌گوید:

﴿رَحْمَاءٌ بَيْنَهُمْ تَرْنُهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي
وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَزَعٍ أُخْرِجَ
شَطْرُهُ فَأَزْرَهُ فَأَسْتَعْلَظَ فَأَسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْفِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ
اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾ [الفتح: ٢٩]

«با یکدیگر مهربان هستند. آنان را در حال رکوع و سجده می‌بینی؛ فضل و خشنودی الله را می‌جویند. نشانه(ی درست‌کاری) آنان از اثر سجده در چهره‌هایشان پیداست؛ این، وصف آنان در تورات است. و وصفشان در انجیل مانند زراعتی است که جوانه زده و تنومندش ساخته و ستبر و ضخیم شده و بر ساقه‌هایش ایستاده است و کشاورزان را شگفت‌زده می‌سازد تا به‌وسیله‌ی آنان

کافران را به خشم آورد. الله به اینها که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، نوید آمرزش و پاداش بزرگی می‌دهد».

نشانه‌های دین را برپا داشتند در راه خدا جهاد و تلاش نمودند تا آن که دین الهی استوار گردید و شرک به وسیله آنان خوار شد، و سران شرک و پایه‌های آن از بین رفت و کلمه خداوند برتر قرار گرفت و کلمه کافران سقوط کرد، پس درود و رحمت خدا بر آن نفس‌های پاک و ارواح طیبه باد، آنان در زندگی اولیای خدا بودند و بعد از مرگ زنده‌اند و خیرخواه بندگان، قبل از رسیدن به آخرت به سوی آن کوچ کردند، و از دنیا رفته بودند در حالی که هنوز در آن زندگی می‌کردند^(۱).

این صفاتی که عبدالله بن عباس صحابه رضی الله عنهم را به آن توصیف نموده، همه مناقب و فضائل نیکویی هستند که صحابه با آن یاد می‌شوند، و آنان همانطور که ابن عباس رضی الله عنه می‌گوید: به شرافت صحبت و همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله نایل آمدند و جان و مال‌شان را فدای پیامبر صلی الله علیه و آله کردند و نشانه‌های دین را برپا داشتند و خیرخواه امت بودند و در راه تحکیم پایه‌های اسلام تلاش نمودند تا این که اسلام روی زمین استوار گردید، و خداوند به وسیله آنان شرک و مشرکین را خوار گردانید و پایه‌های شرک را از بین برد، از این رو آنان پاک و ارواحی طاهر بودند، و در این دنیا اولیای خدا بودند، خداوند از آنان خوشنود باد.

۱- مروج الذهب ومعادن الجواهر [۳ / ۷۵].

و در ستایش عثمان رضی الله عنه می گوید: «خداوند رحمت کند ابا عمرو را! او از بهترین یاوران و نیکان بود در سحر به عبادت بیدار بود، و وقتی از دوزخ یاد می شد خیلی گریه می کرد در انجام هر کار خوبی پیش قدم بود محبوب و باوفا بود لشکر «العسرة» را تأمین کرد، و او داماد پیامبر صلی الله علیه و آله بود»^(۱).

وقتی زید بن ثابت رضی الله عنه وفات یافت، ابن عباس گفت: «سوگند به خدا با وفات او علم و دانش فراوانی به خاک سپرده شد»^(۲).

تمجید امام علی بن حسین از صحابه علیهم السلام

امام علی بن حسین (زین العابدین) از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را یاد می کرد و در نمازش برای آنان دعای مغفرت می نمود، چون آنان در نشر دعوت توحید و تبلیغ رسالت خدا به بندگنش پیامبر را یاری کرده بودند، امام زین العابدین می گوید: (اصحاب محمد صلی الله علیه و آله همراهانی خوب برای پیامبر بودند که در یاری کردن ایشان امتحان خوبی پس دادند، آنان در پذیرفتن دعوت پیامبر از دیگران گوی سبقت دار بودند و در راه سربلندی و پیروزی دین همسران و فرزندان شان را رها کردند و برای تثبیت نبوت ایشان با پدران و فرزندان شان جنگیدند و با کسانی که با محبت آنان خوی گرفته بودند در حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله رودرو قرار گرفتند، آنان دوستی پیامبر را داد و ستدی می شمردند که زبان را

۱- مروج الذهب و معاون الجواهر ۳ / ۶۴.

۲- فضائل الصحابه احمد بن حنبل ۱۸۷۳.

نمی شناسد، و وقتی دست به دستگیری قبیلۀ انداختند قبیلۀ آنان را طرد کرد و چون خواستند در سایه خویشاوندی های بمانند خویشاوندی آنان قطع شد، آنچه آنان از آن بریدند برای خدا و در راه خدا بود، بار خدایا از آنان راضی باش، و در برابر این که در راه تو ترک دیار کردند و زندگی مرفه را رها نموده و تنگدستی را پذیرفتند و در راه سربلندی دینت از توده و کثرت جدا شده و قلت را اختیار کردند، به آنان بهترین پاداش را بده، و خدایا به کسانی که به نیکی از آنان پیروی کرده اند پاداش بده، آنان که می گویند: بار خدایا ما را بیمارز و برادران ما را که قبل از ما بوده اند، آنان که راه صحابه و جهت آنان را در پیش گرفته و کوشیده اند با آنان همسو باشند و در بینش آنان تردیدی به خود راه نداده و در گام برداشتن در راه آنان و اقتدا به آنان شکی به دل شان نیامده است، و اینگونه بر دین آنان هستند و در سیر آنان گام برمی دارند و صحابه را در آنچه به آنان رسانده اند متهم نمی کنند^(۱).

و از او روایت شده که وقتی بعضی به ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم اهانت کردند به آن ها گفت: به من بگوئید آیا شما از مهاجرین هستید که خداوند فرموده: ﴿الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَرِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸]

«مهاجران که از سرزمینشان و اموالشان در طلب فضل و خوشنودی خدا رانده شده اند و خدا و پیامبرش را یاری می کنند، اینان راستگویانند».

۱- صحیفه سجادیه کامله / از زین العابدین [ص ۱۳]

گفتند: نه، گفت پس آیا شما از این کسانی هستید که ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الحشر: ۹]

«و کسانی که پیش از آمدن مهاجران در دیار خود بوده اند و ایمان آورده اند، آنهایی را که به سویشان مهاجرت کرده اند دوست می دارند و از آنچه مهاجران را داده می شود در دل احساس حسد نمی کنند، و دیگران را بر خویش ترجیح می دهند هر چند خود نیازمند باشند و آنان که از بخل خویش در امان مانده باشند رستگارانند.»؟ گفتند: نه، گفت: گواهی می دهم که شما از کسانی نیستید که خداوند در باره آنان می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰]

«کسانی که از پس ایشان آمده اند، می گویند: ای پروردگار ما، ما و برادران ما را که پیش از ما ایمان آورده اند بیامرزد و کینه کسانی را که ایمان آورده اند، در دل ما جای مده ای پروردگار ما، تو مشفق و مهربان هستی.»
از اینجا بیرون بروید حساب شما با خداوند!

ابوحازم مدنی می گوید: «هیچ هاشمی را فقیه تر از علی بن حسین ندیده ام، از او پرسیدند: ابوبکر و عمر رضی الله عنهما چه جایگاهی نزد رسول خدا داشتند؟ با دستش به سوی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرد و گفت: جایگاهی که اکنون دارند»^(۱).

تمجید امام محمد باقر از صحابه رضی الله عنهم

ابن سعد از بصام صیرفی روایت می کند که گفت: ابوجعفر را در مورد ابوبکر و عمر رضی الله عنهما پرسیدم؟ او گفت: «سوگند به خدا که آنان را دوست دارم و برایشان از خداوند طلب آمرزش می نمایم، و هیچکسی از اهل بیتم را نیافته ام مگر این که آن ها را دوست می داشته است»^(۲).

و می گفت: «بنی فاطمه بر این اجماع دارند که در مورد ابوبکر و عمر سخنی را بگویند که بهترین سخنی باشد»^(۳).

عروه بن عبدالله رضی الله عنه او را در مورد تزئین شمشیر پرسید، گفت: اشکالی ندارد، ابوبکر صدیق شمشیر را با زیورات آراسته بود، گفت: تو می گویی صدیق؟ امام باقر از جا پرید و رو به قبله نمود و گفت: «بله صدیق، هرکسی نگوید صدیق خداوند هیچ سخنی از او را در دنیا و آخرت صادق و راست نگرداند»^(۴).

۱- سیر أعلام النبلاء [۴ / ۳۹۴].

۲- الطبقات [۵ / ۳۲۱].

۳- سیر أعلام النبلاء [۴ / ۴۰۶].

۴- سیر أعلام النبلاء [ص ۴۰۸].

و همچنین از او روایت است که گفت: «شمشیرها کشیده نشده و صفها در نمازی برابر نشدند و حمله‌ای انجام نگرفت و اذان آشکارا گفته نشد و خداوند **﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾** نازل نکرد مگر وقتی که اوس و خزرج مسلمان شدند»^(۱).

و جابر جعفی می‌گوید: محمد بن علی به من گفت: ای جابر! به من خبر رسیده که گروهی در عراق ادعا می‌کنند که ما را دوست دارند، و به ابوبکر و عمر توهین می‌کنند و به دروغ می‌گویند که من آنان را به این کار فرمان داده‌ام، به آنان خبر ده که من از آنها بیزارم، سوگند به کسی که جانم در دست اوست اگر برای ابوبکر و عمر طلب آمرزش نکنم و برای آنان رحمت خدا را نجویم شفاعت محمد صلی الله علیه و آله نصیب من نخواهد شد، و گفت: «هرکسی فضیلت ابوبکر و عمر را نداند از سنت خبری ندارد»^(۲).

تمجید امام زید بن علی بن حسین از صحابه علیهم السلام

هاشم برید از امام زید روایت می‌کند که گفت: ابوبکر رضی الله عنه امام شکرگذاران بود، سپس این را تلاوت نمود: **﴿وَسَجَّزِيَ الشَّكْرِينَ﴾** [آل عمران: ۱۴۵] «و ما پاداش

۱- بحار الأنوار [۲۲ / ۳۱۲].

۲- البداية والنهاية [۹ / ۲۱۱].

شکرگزاران را خواهیم داد». و سپس گفت: «برائت از ابوبکر برائت از علی است»^(۱).

و در مورد شیخین ابوبکر و عمر رضی الله عنهما می گفت: «از هیچکسی از اهل بیتم نشنیده‌ام مگر آن که از آنان به خوبی یاد می کرده است»^(۲).

و یحیی بن ابی بکر عامری در کتابش «الریاض المستطابه» می گوید که منصور بالله عبدالله بن حمزه - یکی از ائمه بزرگ زیدیه - در کتابش «جواب المسائل التهامیه» دیدگاه امام زید را در مورد صحابه، چنین بیان کرده است که او رضی الله عنه به صورت اجمالی آنان را می ستوده و خصوصیت‌هایی که صحابه بر دیگران دارند را برشمرده است، سپس می گوید: پس آنان بهترین مردم در زمان پیامبر و بعد از ایشان بوده اند، خداوند از آنان راضی باد و به آنان پاداش نیکو عطا کند، سپس می گوید: این مذهب ماست و برای اظهار آن تحت هیچ فشار و خشونت‌ی قرار نگرفته ایم و چیزی دیگر نیست که تقیه کنیم و آن را پنهان نمائیم، و آنان که از ما جایگاه و قدرت کمتری دارند ناسزا می گویند و نفرین می کنند و طعنه می زنند، و ما از کار چنین کسانی اظهار برائت می کنیم، و پدران ما از علی رضی الله عنه همین را فرا گرفته اند... تا جایی که می گوید: در این جهت بعضی فکر می کنند ولای محض ناسزاگفتن به صحابه و بیزارگی جستن از آنان

۱- سیر اعلام النبلاء [۳۹۰/۵].

۲- تاریخ الأمم والملوک طبری [۷ / ۱۸۰].

است، و اینگونه بدون آن که بدانند از محمد صلی الله علیه و آله بیزاری می جویند، و این شعر را سرود:

وإن كنت لا أرمي وترمي كسائتي تصب جوائح النبل كسحي ومنكبي

تمجید امام عبدالله بن حسن بن حسن بن علی علیهم السلام

خلفای راشدین و صحابه علیهم السلام نزد عبدالله بن حسن همانند اهل بیت جایگاه بزرگی داشتند. چنانکه حافظ ابن عساکر از ابی خالد احمر روایت می کند که گفت: عبدالله بن حسن را در مورد ابوبکر و عمر پرسیدم، گفت: «درود و رحمت خدا بر آنان باد و هرکس بر آنان درود نفرستد خداوند او را مشمول رحمت خویش نگرداند»^(۱)،^(۲).

۱- تاریخ دمشق [۲۹ / ۲۵۵ - ۲۵۶].

۲- در قرآن کریم سوره توبه آیه (۱۰۳) آمده که: «وصل علیهم إن صلاتک سکن لهم» یعنی برای شان دعا کن. و سخن رسول گرامی صلی الله علیه و آله که فرموده اند (اللهم صل علی آل ابی اوفی) یعنی «خدایا درود بفرست بر آل ابی اوفی». صحیح بخاری کتاب زکات باب نماز امام و دعای ایشان برای کسی که صدقه می دهد (۶۳). از جابر بن عبدالله هم روایت شده که زنی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: «برای همسرم دعا کن» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «صلی الله علیک و زوجک» یعنی «درود خدا بر تو و همسرت». ابوداؤد در کتاب سجود قرآن باب نماز درود بر غیر نبی صلی الله علیه وسلم با اسناد صحیح روایت کرده است.

و از این نصوص بر می آید که نماز معنایش دعا هست و این همان مقصود امام عبدالله بن حسن رحمه الله بوده است

و همچنین گفت: «به یاد آنان می افتم و برایشان دعا می کنم، و با دعا کردن برای آنان به خدا تقرب می جویم»^(۱).

و همچنین حفص بن عمر مولای عبدالله بن حسن می گوید: عبدالله بن حسن را دیدم که وضوء گرفت و بر موزه هایش مسح کرد، گفتم: مسح می کنی؟ گفت: بله عمر بن خطاب بر موزه هایش مسح کرده است و هرکسی بین خود و خدایش عمر را قرار دهد کار محکمی کرده است^(۲)، یعنی عمر در نقل شریعت مورد اعتماد است.

و همچنین در تاریخ دمشق آمده است که حفص بن قیس از عبدالله بن حسن در مورد مسح بر موزه ها پرسید، او گفت: مسح بکن، عمر بن خطاب مسح کرده است، گفت: من از شما می پرسم، شما مسح می کنی؟ گفت: برایت از عمر می گویم و تو رأی مرا می پرسی، عمر از من و از هزاران کس مانند من بهتر است، گفتم: ای با محمد مردم می گویند: شما تقیه می کنید و این حرف را می زنید، او در حالی که مابین منبر و قبر بودیم گفت: بار خدایا! در نهان و آشکار سخن من همین است. سپس گفت: هرکسی که می گوید: علی مورد ستم قرار گرفته، و پیامبر ﷺ به او اوامری نموده و او اجرا نکرده است، اهانت بزرگی به علی روا داشته که می گوید: پیامبر او را فرمانی داده و او اجراء نکرده است^(۳).

۱- تاریخ دمشق [۲۹ / ۲۵۵].

۲- تاریخ دمشق [۲۹ / ۲۵۵].

۳- تاریخ دمشق [۲۹ / ۲۵۶].

و همچنین در تاریخ دمشق از محمد بن قاسم اسدی ابی ابراهیمی آمده که گفت: عبدالله بن حسن بن علی را دیدم که کشته شدن عثمان را یاد کرد و چنان گریست که ریش و لباسش تر شد^(۱).

تمجید امام جعفر صادق و ستایش صحابه علیهم السلام

او روزی در توصیف صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله دوازده هزار نفر بودند، هشت هزار از مدینه و دو هزار از مکه و دو هزار نفر کسانی بودند که بعد از فتح مکه مسلمان شده بودند، هیچکسی از آنان از فرقه قدریه و یا مرجئه نبود و هیچکدامشان حروری و معتزلی و اهل رأی نبود، شب و روز گریه می کردند و می گفتند: خدایا جانهای ما را بگیر پیش از آن که نان خمیر بخوریم^(۲).

پس وقتی در صحابه علیهم السلام کسی نبوده که دارای انحراف عقیدتی مانند مرجئه و حروریه و معتزله باشد، چگونه در میان آنان منافق وجود داشته است؟! آنچه امام صادق در این روایت گفته است، درست همان تزکیه و تائیدی است که قرآن در مورد صحابه ارائه کرده و آنان را ستوده و به رضامندی خداوند و بهشت مژده داده است، پس اینها کجا و روایت های ضعیفی که ادعا می کند صحابه همه مرتد شده اند به جز چند نفر انگشت شمار، کجا!

۱- تاریخ دمشق [۲۹ / ۲۵۶].

۲- الخصال ص [۶۸۳ حدیث ش ۱۵]

منصور بن حازم روزی از امام جعفر صادق در مورد اصحاب پیامبر ﷺ پرسید و گفت: چرا وقتی مسئله‌ای را از شما می‌پرسم پاسخ آن را به من می‌گویید، اما وقتی کسی دیگر می‌آید و همان سوال را از شما می‌پرسد پاسخ دیگری به او می‌دهی؟ گفت: به بعضی کم می‌گوئیم و به بعضی زیاد. گفتم: در مورد اصحاب پیامبر ﷺ مرا خبر ده که آیا بر پیامبر راست گفته اند یا برایشان دروغ بسته اند؟ گفت: آنان راست گفته اند، گفتم: پس چرا اختلاف کردند؟ گفت: فردی می‌آمد و از پیامبر چیزی می‌پرسید و ایشان پاسخ او را می‌داد، و سپس بعد از آن احادیث یکدیگر را منسوخ می‌کرد. (۱) (۲)

می‌بینیم که امام جعفر صادق گواهی می‌دهد که اصحاب پیامبر ﷺ صادق و راستگو بوده اند.

و امام صادق از جدش محمد ﷺ روایت می‌کند که در حجة الوداع در مسجد خیف در منی برای مردم سخنرانی نمود و بعد از حمد و ستایش خداوند فرمود: شاداب و سرزنده نگاه دارد خداوند بنده‌ای را که سخنم را شنید و آن را حفظ

۱- اصول کافی [۱/ ۵۲].

۲- در زمان تشریح احکام یعنی در طول زندگی پیامبر احکام و اوامر بدنبال هم نازل می‌شدند و بعضی از احکام متاخر بعضی از احکام سابق را نسخ می‌کردند. پس امکان دارد بعضی از اصحاب از احکام قدیمی که حکم ان منسوخ شده باخبر باشند ولی از حکم جدیدی که بعد از آن نازل شده و حکم سابق را نسخ کرده باخبر نشده باشد برای همین برا اساس علم خودش روایت می‌کند.

کرد و سپس آن را به کسی رسانید که آن را نشنیده است، چه بسا که فردی حامل فقه باشد و فقیه نباشد، و چه بسا که فردی فقه را به سوی کسی ببرد که از او فقیه‌تر باشد، سه چیز است که قلب مسلمان به آن خیانت نمی‌ورزد: اخلاص عمل برای خداوند و خیرخواهی برای فرمانروایان مسلمین و همراه بودن با گروه‌شان، مسلمین با یکدیگر برابرند خون‌شان برابر است و پائین‌ترین آنان اگر کسی را پناه دهد، پناه دادنش معتبر است، و مسلمین در برابر دیگر همه ید واحدی هستند^(۱).

اعتماد پیامبر به صحابه علیهم السلام در این که سخن ایشان را به دیگران برسانند دلیل واضحی بر راستگویی و پاکی ایشان است.

و امام صادق همواره توصیه پدرش امام علی علیه السلام را به خاطر داشت که فرمود: شما را در مورد اصحاب پیامبران توصیه می‌کنم به آنان ناسزا نگوئید، اصحابی که بعد از پیامبر بدعتی ایجاد نکردند و بدعت‌گذاری را پناه ندادند، و پیامبر در مورد آنان سفارش کرده است^(۲).

و بسام صیرفی می‌گوید: جعفر را در مورد ابوبکر و عمر پرسیدم، گفت: سوگند به خدا که آنان را دوست دارم و برایشان از خداوند طلب آمرزش

۱- الخصال ۱۴۹ - ۱۵۰ حدیث ش ۱۸۲.

۲- بحار الأنوار [۲۲ / ۳۰۶].

می‌کنم، و هیچکسی از اهل بیتم را نیافته‌ام مگر این که آنان را دوست می‌داشته است^(۱).

و از جعفر بن محمد و او از پدرانش روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: ثابت‌قدم‌ترین شما بر پل صراط کسی است که اهل بیت و اصحابم را بیشتر دوست داشته باشد^(۲).

بار خدایا! ما را از کسانی بگردان که صحابه و اهل بیت را خیلی دوست دارند.

تمجید امام موسی کاظم

امام موسی کاظم از جدش رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که فرمود: من مایه امنیت اصحابم هستم و هرگاه از دنیا بروم آنچه به اصحابم وعده داده می‌شود آن را خواهند دید، و اصحاب من مایه امنیت امتم هستند و چون اصحاب من از دنیا بروند آنچه به امتم وعده داده شده نزدیک خواهد شد، و این دین همواره بر همه ادیان چیره خواهد بود تا وقتی که در میان شما کسی باشد که مرا دیده است^(۳).

و همچنین از پدرانش از رسول خدا روایت می‌کنند که فرمود: قرن‌ها چهارتا هستند، من در بهترین قرن می‌باشم و سپس بعد از آن قرن دوم بهتر

۱- سیر أعلام النبلاء [۴ / ۴۰۳].

۲- بحار الأنوار [۲۷ / ۱۳۳].

۳- بحار الأنوار [۲۲ / ۳۰۹] و ن گ، نوادر الراوندی [ص ۲۳ و صحیح مسلم ۶۶۶].

است و پس از آن قرن سوم، و سپس در قرن چهارم مردان با مردان و زنان با زنان برخورد می‌نمایند و خداوند کتابش را از سینه مردم بیرون می‌برد و آنگاه باد سیاهی می‌فرستد، و هیچکسی پس از آن جز خداوند باقی نمی‌ماند^(۱). در این حدیث به صراحت وارد شده که بهترین زمان و قرن قرن صحابه است، پس به هیچ وجه جائز نیست به زمان آنها طعن یا تهمتی وارد شود.

تمجد امام رضا

موضع امام رضا در برابر صحابه با موضع پدران و نیاکانش تفاوتی ندارد، او می‌گوید: وقتی خداوند موسی بن عمران را مبعوث کرد و برگزید، و دریا را برای ایشان شکافت و بنی اسرائیل را نجات داد و تورات و الواح را به موسی داد، جایگاهش را نزد پروردگارش مشاهده کرد موسی گفت: ای پروردگارا! اگر آل محمد چنین هستند، آیا در میان اصحاب پیامبران کسانی هستند که از اصحاب و یاران من نزد شما گرامی‌تر باشد؟ خداوند متعال فرمود: ای موسی! آیا نمی‌دانی که فضیلت صحابه محمد صلی الله علیه و آله بر اصحاب دیگر پیامبران مانند فضیلت آل محمد بر آل پیامبران و فضیلت محمد صلی الله علیه و آله بر همه پیامبران است، آنگاه موسی گفت: پروردگارا! کاش آنان را می‌دیدم! خداوند به موسی وحی کرد که شما هرگز آنان را نخواهی دید، و این وقت ظهور آنان نیست، اما بعداً در بهشت

۱- بحار الأنوار [۲۲ / ۳۰۹] و حدیثی نزدیک به این در بخاری [۲۵۰۹] و مسلم [۲۵۳۳]

روایت شده است.

آن‌ها را خواهی دید که در فردوس برین همراه در میان نعمت‌های بهشت شادی خواهند کرد^(۱).

و از این روایت امام چنین معلوم می‌شود که این فضیلت فقط مخصوص اصحاب پیامبر ﷺ است و همه صحابه را شامل می‌شود، و اگر همه صحابه را شامل نمی‌شد، اصحاب پیامبر بر اصحاب و یاران دیگر انبیاء فضیلتی نداشتند.

تمجید امام حسن بن محمد عسکری

امام عسکری می‌گوید که رسول خدا ﷺ وقتی خداوند موسی بن عمران را فرستاد و او را برگزید و دریا را برای او شکافت و بنی اسرائیل را نجات و تورات و الواح را به موسی داد، خداوند جایگاهش را به او نشان داد، موسی گفت: پروردگارا! مرا چنان گرامی داشته‌ای که هیچکسی را قبل از من چنان گرامی نداشته‌ای. خداوند عزوجل فرمود: ای موسی! آیا نمی‌دانی که محمد نزد من از همه آفریده‌هایم و از همه ملائکه‌ام برتر است؟

موسی گفت: ای پروردگارا! اگر محمد نزد شما از همه پیامبران گرامی‌تر است، آیا در خاندان پیامبران خاندانی از خاندان من گرامی‌تر است؟ خداوند فرمود: ای موسی! آیا نمی‌دانی که فضیلت آل محمد بر خاندان همه پیامبران مانند فضیلت محمد بر همه پیامبران است؟

۱- بحار الأنوار [۱۳ / ۳۴۰]، تأویل الآیات ص [۴۱۱].

موسی گفت: پرودگارا! وقتی آل محمد چنین جایگاهی نزد شما دارند، آیا در میان اصحاب پیامبران کسانی هستند که از اصحاب من گرامی تر باشند؟ خداوند فرمود: ای موسی! آیا نمی دانی که فضیلت اصحاب محمد بر اصحاب همه پیامبران، مانند فضیلت آل محمد بر همه انبیاء و مانند فضیلت محمد بر همه رسولان است؟^(۱)

این اندکی از بسیار تمجید و ستایش اهل بیت از صحابه بود. و اینگونه روابط بین صحابه و اهل بیت صمیمانه و دوستانه بوده است و اگر کسی اندکی به این مطالب توجه نماید و آن را باور کند برای از بین بردن و ذوب کردن کوه یخی کفایت می کند که در دل های بعضی از مسلمین درست شده که متأسفانه دشمنی با صحابه علیهم السلام را راه دوستی اهل بیت می دانند، و اینگونه با رهنمود اهل بیت علیهم السلام که هم اینک توضیح دادیم و از منابع اصلی اش آن را بیان کردیم مخالفت می ورزند. و هرگاه این کوه یخی ساخته شده ذوب شود امت برای وحدت آماده خواهد شد.

۱- تفسیر امام عسکری [ص ۳۱].

فصل سوم:

صحابه اهل بیت پیامبر را می‌ستایند

ستایش ابوبکر صدیق رضی الله عنه خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله بر اهل بیت علیهم السلام

بخاری در صحیح خود روایت می‌کند که ابوبکر رضی الله عنه به علی رضی الله عنه گفت: «سوگند به کسی که جانم در دست اوست! رعایت خویشاوندی پیامبر صلی الله علیه و آله برایم مهم‌تر از رعایت خویشاوندی خودم است»^(۱).

و همچنین ابن عمر رضی الله عنهما از ابوبکر رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: در مورد اهل بیت پیامبر رعایت ایشان را بکنید.^(۲)

و در مسند ابی یعلی از عقبه بن حارث روایت است که ابوبکر رضی الله عنه چند روزی بعد از وفات پیامبر نماز عصر را خواند و سپس بیرون رفت و شروع به قدم‌زدن نمود، آنگاه حسن رضی الله عنه را دید که همراه با بچه‌ها بازی می‌کند، او حسن را بر دوش خود گذاشت و گفت: به پیامبر شباهت دارد و به علی شباهت ندارد، و علی رضی الله عنه می‌خندید.^(۳)

۱- صحیح بخاری [۳۷۱۲] باب مناقب خویشاوندی با رسول الله صلی الله علیه و آله و بحار الانوار [۳۰۱/۴۳].

۲- صحیح بخاری [۳۷۱۳] باب مناقب حسن و حسین رضی الله عنهما.

۳- مسند ابی یعلی ش ۳۸ و اصل حدیث در بخاری به شماره ۳۵۴۲ روایت شده و همچنین در کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة ۱۶ / ۲ روایت شده است.

و این که در حدیث آمده که «چند شب بعد از وفات پیامبر»، دلیلی است بر این که آنچه در بعضی از کتاب‌های تاریخ آمده که علی علیه السلام بیعت نکرد و تا چند ماه از جماعت جدا شد صحت ندارد، و شایسته مقام علی علیه السلام نیست که از برادران صحابه‌اش جدا شود، و یا جماعت مسلمین را متفرق نماید و همچنین به او نمی‌سزد که از حق شرعی خویش دست بکشد، چون در آن وقت صحابه به اتفاق با ابوبکر بیعت کردند حتی علی بن ابی طالب علیه السلام و زبیر بن عوام علیه السلام با او بیعت کردند، چنانکه بیهقی از ابی سعید خدری رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله وفات یافت و مردم در خانه سعد بن عباده گرد هم آمدند، ابوبکر و عمر نیز آنجا بودند. سخنران انصار بلند شد و گفت: آیا می‌دانید که ما انصار و یاوران رسول خدا هستیم پس همانطور انصار و یاوران خلیفه پیامبر هستیم. آنگاه عمر بن خطاب گفت: راست می‌گوئید و اگر غیر از این را می‌گفتید با شما بیعت نمی‌کردیم. آنگاه دست ابوبکر را گرفت و گفت: با این بیعت کنید و سپس عمر با او بیعت کرد و مهاجرین و انصار با او بیعت نمودند، پس از آن ابوبکر بر منبر رفت و به چهره‌های مردم نگاه کرد و زبیر را ندید، زبیر را فرا خواند و به او گفت: پسر عمه رسول خدا آیا می‌خواهی در میان مسلمین تفرقه ایجاد شود؟ زبیر گفت: علامتی بر شما نیست ای خلیفه رسول خدا! و بلند شد و با او بیعت کرد، سپس به چهره‌های مردم نگاه کرد و گفت: علی را ندید و علی را صدا زد، و گفت: پسر عموی رسول خدا و دامادش! می‌خواهی در میان مسلمین تفرقه ایجاد شود؟ علی گفت: ملامتی نیست ای خلیفه رسول خدا و با

او بیعت کرد. حافظ ابوعلی نیشابوری می‌گوید: از ابن خزیمه شنیدم که می‌گفت: مسلم بن حجاج نزد من آمد و مرا در باره این حدیث پرسید، من آن را در کاغذی برای او نوشتم و آن را برایش خواندم، او گفت: این حدیث یک شتر ارزش دارد، گفتم: برابر با یک شتر است خیر بلکه برابر با بدره^(۱) است، و این حدیث این حدیث را در مسند به طور مختصر و حاکم در مستدرک از طریق عفان بن مسلم از وهیب به صورت مطول روایت کرده است^(۲).

روایت مذکور با حدیثی که عائشه رضی الله عنها روایت کرده که علی رضی الله عنه تا شش ماه بیعت نکرد منافاتی ندارد، چون عائشه براساس آگاهی خود سخن گفته و ابوسعید خدری براساس آگاهی خود سخن گفته است و سخن کسی که می‌داند بر کسی که نمی‌داند و خبر ندارد حجت است:

و دارقطنی در فضائل صحابه و مناقب‌شان از عبدالله بن جعفر رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: رحمت خدا بر ابوبکر باد او فرمانروای ما بود، او بهترین فرمانروای ما بود هیچگاه پرورش‌دهنده‌ای^(۳) بهتر از او ندیده‌ایم، روزی در خانه نزد او نشسته بودیم که ناگهان عمر آمد، -رسم اجازه گرفتن سه بار بود- او یک

۱- بدره به نوعی شتر نفیس می‌گویند و یا به ده هزار درهم قدیم.

۲- البدایة والنهایة [۶ / ۳۰۱].

۳- بعد از شهادت جعفر رضی الله عنه ابوبکر رضی الله عنه با اسماء مادر عبدالله بن جعفر ازدواج کرد، و از او صاحب فرزندی به نام محمد شد، و پس از وفات ابوبکر علی با اسماء رضی الله عنها ازدواج کرد و از او صاحب فرزند گردید.

بار اجازه گرفت و به او اجازه داده نشد، سپس بار دوم اجازه ورود خواست و به او اجازه داده نشد و در بار سوم به او اجازه دادند، ابوبکر به او گفت: وارد شو، او به همراه تنی چند از صحابه وارد شد و به ابوبکر گفت: ای خلیفه رسول خدا! چرا ما را پشت درب نگاه داشتی؟ ما دو بار اجازه ورود خواستیم اجازه داده نشد و این بار سوم بود که اجازه خواستیم و به ما اجازه دادند. گفت: فرزندان جعفر مشغول خوردن غذا بودند، ترسیدم که شما وارد شوید و در غذایشان با آن شریک شوید.

و در اینجا می بینیم که ابوبکر رضی الله عنه خیلی مراقب فرزندان جعفر رضی الله عنهم بوده و از آنان مواظبت می کرده است.

امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه و اهل بیت

تردیدی نیست که فاروق رضی الله عنه با اهل بیت روابط بسیار خوبی داشت، چنانکه عمر رضی الله عنه از اهل بیت تمجید می کرد و آنان نیز او را می ستودند و عمر با أم کلثوم دختر علی ازدواج کرد، و بسیاری از اهل بیت رضی الله عنهم اسم فرزندانشان را عمر می گذاشتند، و در بخاری روایت است که هرگاه قحطسالی می شد عمر از عباس بن عبدالمطلب می خواست برای باران دعا کند و گفت: بار خدایا! به دعای پیامبرت متوسل می شدیم و شما به ما باران می دادی و اینک به دعای عموی پیامبر متوسل می شویم پس ما را باران بده ^(۱).

۱- این توسل در واقع توسل به دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در قید حیاتش بوده است. و اما پس از مرگ ایشان توسل به عباس رضی الله عنه میشد زیرا ایشان از بستگان پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.

و در طبقات ابن سعد آمده که عمر رضی الله عنه به عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه گفت: «سوگند به خدا! روزی که مسلمان شدی اسلام آوردنت برایم از اسلام آوردن خطاب پسندیده‌تر بود، چون پیامبر مسلمان شدن شما را از مسلمان شدن خطاب بیشتر دوست داشت»^(۱).

و در فضائل الصحابه امام احمد ش [۱۰۸۹] از عروه بن زبیر روایت است که گفت: «مردی در حضور عمر به علی توهین کرد، عمر به او گفت: صاحب این قبر را می‌شناسی او محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب است و علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب است، پس علی را به بدی یاد مکن، اگر نسبت به علی کینه داشته باشی این را در قبرش آزار داده‌ای»^(۲).

و در الاستیعاب ابن عبدالبر از عمر رضی الله عنه روایت است که گفت: «آگاه‌ترین ما به قضاوت علی است»^(۳).

و در تاریخ دمشق ابن عساکر روایت شده که «عمر بن خطاب وقتی دیوان را تدوین کرد و عطاء را مقرر کرد برای حسن و حسین سهمیه‌ای به اندازه پدرشان که از اهل بدر بود مقرر کرد، چون نوه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، از این رو عمر برای هریک پنج هزار مقرر کرد»^(۴).

۱- الطبقات [۲۳ / ۴] ، البداية والنهاية [۲۹۸ / ۲].

۲- محقق کتاب روایت را صحیح دانسته است.

۳- الاستیعاب [۱۸۷۱].

۴- تاریخ دمشق ابن عساکر [۱۷۹ / ۱۴].

و ابن سعد از جبیر بن حویرث بن تقید روایت کرده که عمر بن خطاب با مسلمین در باره تدوین دیوان مشوره کرد، علی به او گفت: هر سال مالی که نزد تو جمع می‌شود آن را تقسیم کن و از آن چیزی در دست خود نگاه ندار، و عثمان بن عفان گفت: به نظرم مال زیادی مردم را کفایت می‌کند حتی اگر شمرده نشوند تا کسی را که گرفته از کسی که نگرفته بدانی، ولید بن هشام بن مغیره به او گفت: «ای امیرالمؤمنین به شام رفتم و پادشاهان آنجا را دیدم که دیوانی درست کرده اند و سربازانی تشکیل داده اند، پس دیوانی تدوین کن و لشکری درست نما، پس سخن او را پذیرفت و دیوان درست کرد و سرباز تشکیل داد، و عقیل بن ابی طالب و مخرمه بن نوفل و جبیر بن مطعم که از نسب دانان قریش بودند فرا خواند و گفت: اسم مردم را براساس جایگاهشان بنویسید، آنان نوشتند و از بنی هاشم شروع کردند، سپس اسامی ابوبکر و قوش را نوشتند و سپس عمر و قوش وقتی عمر به این نوشته نگاه کرد، گفت: سوگند به خدا دوست داشتم که همینطور می‌شد، اما از خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله شروع کنید تا عمر را در جایگاهی قرار دهید که خداوند او را قرار داده است.

و از محمد بن عمر روایت می‌کند که گفت: اسامه بن زید بن اسلم از پدرش از جدش روایت می‌کند که گفت: وقتی نوشته را به عمر تقدیم کردند او را دیدم، بنی تیم به دنبال بنی هاشم و بنی عدی به دنبال بنی تیم ثبت شده بودند، از عمر شنیدم که گفت: عمر را در جایگاهش قرار دهید، و از نزدیکترین خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله شروع کنید، آنگاه بنی عدی نزد عمر آمدند و گفتند: تو

خلیفه رسول خدا هستی یا خلیفه ابوبکر هستی و ابوبکر خلیفه پیامبر ﷺ است، پس اگر خود را در جایگاهی این قوم تو را قرار داده اند قرار می‌دادی بهتر بود، عمر گفت: بنی تیم می‌خواهید با سوارشدن بر پشت من نان بخورید و نیکی‌هایم را برایتان از بین ببرم نه سوگند به خدا! مگر آن که فرا خوانده شوید و طبق آنچه در دفتر ثبت شده اید براساس آن با شما رفتار کنم - یعنی حتی اگر آخرین نفر باشید - دو دوست دارم که راهی را رفته اند اگر با آنان مخالفت کنم با من مخالفت می‌شود، سوگند به خدا که ما فضیلت را در دنیا و آخرت به دست نیاورده‌ایم مگر به سبب محمد ﷺ پس او افتخار ماست و قومش شریف‌ترین مردم عرب می‌باشند^(۱).

و در کتاب سیر اعلام النبلاء ذهبی آمده است: «عمر ﷺ به فرزندان صحابه لباس داد و لباسی که مناسب حسن و حسین باشد نبود، به یمن فرستاد و برای آنان لباسی آوردند، آنگاه عمر گفت: اکنون خوشحال و راحت شدم»^(۲). ببینید عمر ﷺ حتی به لباس حسن و حسین رضی الله عنهما اهمیت می‌داد، و آنان نزد عمر مانند دیگران نبودند.

و ابن عساکر در تاریخ دمشق می‌گوید: «عمر ﷺ به حسین گفت: فرزندم، نزد ما بیا، حسین ﷺ می‌گوید: روزی آمدم او با معاویه تنها نشسته بودند و ابن عمر دم درب بود و به او اجازه ورود داده نشد من هم برگشتم، بعداً عمر مرا دید

۱- الطبقات الكبرى [۳ / ۲۹۵ - ۲۹۶].

۲- سیر اعلام النبلاء [۳ / ۲۸۵] و تاریخ دمشق [۱۴ / ۱۸۰].

گفت: فرزندانم! نزد ما نمی آیی؟ گفتیم: آمدم و تو و معاویه تنها نشسته بودید و دیدم که به پسر ت ابن عمر برگشت من هم برگشتم. تو به اجازه ورود یافتن از ابن عمر سزاوارتری آنچه در سر ما روئیده از خدا و سپس شماس. و دستش را بر سرش گذاشت»^(۱).

شما سن حسن علیه السلام را در زمان عمر رضی الله عنه در نظر بگیرید که چقدر کوچک بود، اما باز هم عمر رضی الله عنه به او علاقه شدیدی داشت و به او اهتمام می ورزید، آیا این دلیل اهمیت دادن فاروق به اهل بیت نیست؟

و بخاری از ابن عباس رضی الله عنه روایت می کند که گفت: « عمر به من اجازه می داد که همراه او و بزرگان بدر بنشینم، یکی از آنان گفت: چرا این جوان را در جمع ما می آوری؟ گفت: این از کسانی است که شما می دانید»^(۲).

و ابن عبدالبر از عمر رضی الله عنه روایت می کند که او در باره ابن عباس رضی الله عنه می گفت: «عبدالله بن عباس چه ترجمان خوبی است برای قرآن» و وقتی ابن عباس می آمد عمر می گفت: «جوان بزرگسال و دارای زبان پرسشگر و دل عاقل آمد»^(۳).

و در مستدرک حاکم از علی بن حسین روایت است که عمر بن خطاب رضی الله عنه از علی رضی الله عنه دخترش ام کلثوم را خواستگاری کرد. و گفت: او را به نکاح من

۱- تاریخ دمشق [۱۴ / ۱۷۹].

۲- بخاری [۴۲۹۴].

۳- الاستیعاب [۱۴۴۷].

در بیاور. علی گفت: می‌خواهم او را به ازدواج برادر زاده‌ام عبدالله بن جعفر در بیاورم، آنگاه عمر گفت: سوگند به آنگونه که من سعادت او را می‌خواهم کسی نمی‌خواهد او را به ازدواج من در بیاور، سپس عمر نزد مهاجرین آمد و گفت: آیا به من تبریک نمی‌گوئید؟

گفتند: به چه کسی ای امیرالمؤمنین؟ گفت: به ام کلثوم دختر علی و فاطمه دختر پیامبر ﷺ، من از پیامبر شنیدم که می‌گفت: هر نسب و ارتباطی روز قیامت قطع می‌گردد جز نسب و سبب من^(۱).

و در سیر أعلام النبلاء از محمد بن علی (ابن الحنفیه) روایت است که گفت: «عمر وارد شد و من نزد خواهرم ام کلثوم بودم، او مرا به آغوش گرفت و گفت: به او حلوا بده»^(۲).

اگر عمر ﷺ علی ﷺ و فرزندان او را دوست نمی‌داشت محمد بن علی ﷺ را به آغوش نمی‌گرفت و از ام کلثوم نمی‌خواست که به او حلوا و شیرینی بدهد.

ستایش عثمان بن عفان ﷺ از اهل بیت ﷺ

خلیفه راشد عثمان ﷺ نیز مانند دیگر برادران صحابه‌اش قدر و جایگاه اهل بیت را می‌دانست و آنان را می‌ستود، چنانکه ابن کثیر در البدایه والنهایه می‌گوید: (...)

۱- حاکم (۴۶۸۴) ۳ / ۱۵۳ و ألبانی السلسله الصحیحة [۲۰۳۶].

۲- سیر أعلام النبلاء [۱۱۵ / ۴].

و گفته اند عمر بن خطاب و عثمان هرگاه از کنار عباس در حال سواری عبور می کردند به احترام عباس پیاده می شدند^(۱).

و ابن کثیر رحمته الله می گوید:

«عثمان بن عفان رضی الله عنه حسن و حسین علیهم السلام را گرامی و دوست می داشت، روزی که عثمان در خانه اش محاصره بود حسن شمشیر به دست از عثمان دفاع می کرد، عثمان از بیم این که مبدا کشته شود به حسن قسم داد که به خانه اش برگردد، تا دل علی خوش شود».

طلحه بن عبیدالله و تمجید از اهل بیت علیهم السلام

طلحه ابن عباس را که یکی از افراد برجسته اهل بیت بود می ستاید، و در طبقات ابن سعد آمده که طلحه می گفت: به ابن عباس فهم و درک و عمل داده شده است^(۲).

سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه و بزرگداشت اهل بیت علیهم السلام

سعد رضی الله عنه علی رضی الله عنه را می ستاید، مسلم از سعد روایت می کند که گفت: «در غزوه تبوک پیامبر صلی الله علیه و آله علی را به عنوان جانشین خود در مدینه گذاشت، علی گفت: ای

۱- البدایة والنهایة [۷/ ۱۶۲].

۲- الطبقات [۲/ ۳۷۰].

رسول خدا آیا مرا با زنان و بچه‌ها می‌گذاری؟ پیامبر فرمود: آیا راضی نمی‌شوی که برای من به منزله هارون برای موسی باشی؟ اما بعد از من پیامبری نیست^(۱). و سعد ابن عباس رضی الله عنه را می‌ستاید، چنانکه در الطبقات ابن سعد از سعد بن ابی وقاص روایت است که گفت: هیچکسی را فهمیده‌تر و داناتر و عالم‌تر و بردبارتر از ابن عباس ندیده‌ام، عمر را دیدم که برای مسائل مشکل او را فرا می‌خواند و سپس می‌گفت: مشکلی پیش آمده، و سپس از آنچه او می‌گفت: فراتر نمی‌رفت، و حال آن که مهاجرین و انصار اهل بدر اطراف عمر بودند^(۲).

تمجید جابر بن عبدالله رضی الله عنه

ابن ابی شیبیه از عطیه بن سعد روایت می‌کند که گفت: نزد جابر بن عبدالله رفتیم در حالی که ابروهایش رو چشم‌هایش افتاده بود، گفتم: از علی بن ابی طالب برای ما بگو. او با دست‌هایش ابروهایش را بلند کرد و گفت: او از بهترین انسان‌ها بود^(۳).

و از تمجید جابر بر حسین رضی الله عنه آنچه روایت شده که روزی حسین وارد مسجد شد، پس جابر گفت: «هر کس دوست دارد به سرور جوانان بهشت بنگرد پس به این نگاه کند». و این روایت را از رسول الله نقل کرد^(۴).

۱- مسلم [۲۴۰۴].

۲- البدایة والنهایة ۸ / ۳۰۳، الطبقات [۳۶۹ / ۲].

۳- مصنف ابن ابی شیبیه [۳۲۱۲۰].

۴- سیر اعلام النبلاء ۳ / ۲۸۲، ابویعلی آن را روایت کرده است ش (۱۸۷۴).

و در الطبقات ابن سعد رضی الله عنه آمده که وقتی ابن عباس رضی الله عنهما وفات یافت جابر بن عبدالله رضی الله عنه گفت: امروز عالم‌ترین مردم و بردبارترین مردم وفات یافته است، و با دست دادن آن امت دچار مصیبت جبران ناپذیری گردیده است^(۱).
و مسلم از جعفر بن محمد بن علی بن حسین از پدرش روایت می‌کند که گفت: نزد جابر بن عبدالله رفتیم از یکایک افراد پرسید تا به من رسید، گفتم: من محمد بن علی بن حسین هستم، او دستش را به سوی سرم کج کرد و پیراهنم را باز کرد و سپس دستش را روی سینه‌ام گذاشت و من در آن روز جوان بودم، و گفت: خوش آمده‌ای ای برادرزاده‌ام هرچه می‌خواهی بپرس...^(۲).

ستایش و تمجید ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها از اهل بیت علیهم السلام

با این که عائشه رضی الله عنها از آن جا که همسر پیامبر است از اهل بیت می‌باشد، اما ترجیح دادیم که پاره‌ای از آنچه در ستایش از بقیه اهل بیت گفته را ذکر کنیم، تا روابط صمیمانه و محبت بزرگی که با یکدیگر داشتند روشن گردد.
در تاریخ طبری روایت است که عائشه رضی الله عنها گفت: سوگند به خدا که در گذشته بین من و علی چیزی نبوده مگر آنچه بین زن و فامیل‌های شوهرش هست. و با این که بین ما ملامت‌هایی وجود داشت ولی علی از دیدگاه من از

۱- الطبقات ۲ / ۳۷۲.

۲- مسلم ۱۲۱۸.

برگزیدگان است. و علی گفت: ای مردم! سوگند به خدا او راست گفته بین من و او چیزی جز این نبوده است، او همسر پیامبرتان ﷺ در دنیا و آخرت است^(۱).
و در الاستیعاب^(۲) ابن عبدالبر اندلسی آمده است که عائشه رضی الله عنها گفت: چه کسی شما را به روزه گرفتن روز عاشورا فتوا داده است؟ گفتند: علی. گفت: او به سنت آگاه‌ترین مردم است.
و ابوداود از أم المؤمنین عائشه رضی الله عنها روایت می‌کند که گفت: هیچکسی را در هیئت و زیبایی و رفتار و در نشستن و بلندشدن از فاطمه به پیامبر ﷺ کسی را شبیه‌تر ندیده‌ام^(۳).
و در مستدرک حاکم روایت است که عائشه رضی الله عنها گفت: هیچکسی را ندیدم که از فاطمه لهجه‌اش صادق‌تر باشد جز پدرش^(۴).
و بحار الأنوار روایت می‌کند که وقتی به عائشه خبر رسید که خوارج علی رضی الله عنه را کشته اند، عائشه گفت: از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌گفت: بار خدایا! آنان بدترین امت من هستند که بهترین افراد امت من آنان را می‌کشند، و بین من و علی چیزی جز آنچه بین زن و فامیل‌های شوهرش هست نبود^(۵).

۱- تاریخ طبری [۴ / ۵۴۴].

۲- الاستیعاب [۱۸۷۱].

۳- ابوداود [۵۲۱۷].

۴- مستدرک حاکم [۳ / ۱۷۵ ش ۴۷۵۶].

۵- بحار الأنوار [۳۳ / ۲۳۲]، کشف الغمه [۱ / ۱۵۸].

و وقتی علی علیه السلام عمر بن ود را به قتل رسانید ابوبکر و عمر رضی الله عنهما بلند شدند و سر ایشان را بوسیدند^(۱).

و همچنین عائشه به فاطمه گفت: آیا تو را مژده ندهم، من از رسول خدا شنیده‌ام که می‌گفت: سرور زنان بهشت چهارتا هستند، مریم دختر عمران، و فاطمه دختر رسول خدا، و خدیجه بنت خویلد، و آسیه زن فرعون^(۲).
اگر عائشه و فاطمه رضی الله عنهما کوچکترین اختلافی می‌داشتند عائشه به او چنین مژده‌ای نمی‌داد.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه و اهل بیت علیهم السلام

از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: «آگاه‌ترین فرد مدینه به قضاوت علی بن ابی طالب است»^(۳).

و همچنین در آن آمده که گفت: «بهترین مفسر و ترجمان قرآن ابن عباس است، اگر ما را درمی‌یافت هیچکسی از ما با او زندگی نمی‌کرد»^(۴).

۱- الارشاد المفید ۵۵.

۲- مستدرک حاکم [۴۸۵۳]

۳- الاستیعاب [۱۸۷۱]

۴- فتح الباری [۱۰۰/۷]

تمجید عبدالله بن عمر رضی الله عنهما

ابن عمر رضی الله عنهما در نبود علی رضی الله عنه وقتی کسی به علی طعنه می‌زد از علی رضی الله عنه دفاع می‌کرد، چنانکه بخاری روایت می‌کند که مردی نزد ابن عمر آمد و از او در باره عثمان پرسید، ابن عمر از خوبی‌های عثمان گفت، و گفت: شاید از او خوشتر نمی‌آید. گفت: بله، گفت: خداوند تو را به بدی گرفتار نماید. سپس آن مرد او را از علی پرسید، ابن عمر خوبی‌های علی را ذکر کرد، مرد گفت: او خانه‌اش در وسط خانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله است، سپس ابن عمر گفت: شاید این تو را ناراحت می‌کند؟ گفت: بله، ابن عمر گفت: خداوند بدی را برایت بیاورد...^(۱)

و در بخاری از ابن ابی نعم روایت است که گفت: نزد عبدالله بن عمر بودم مردی او را در مورد خون پشه پرسید، ابن عمر به او گفت: از کجا هستی؟ گفت: از عراق، گفت: این را نگاه کنید، مرا در باره خون پشه می‌پرسد و حال آن که پسر رسول خدا را کشته اند. و من از پیامبر خدا شنیدم که می‌گفت: آن دو ریحانه‌های من از دنیا هستند^(۲).

و عبدالله بن عمر رابطه‌ی صمیمانه با عبدالله بن جعفر بن ابی طالب رضی الله عنهما داشت، چنانکه در تاریخ ابن عساکر آمده است: «عبدالله بن عمر نزد عبدالله بن جعفر رضی الله عنهما می‌آمد، مردم به او گفتند: شما زیاد نزد عبدالله بن جعفر می‌آیی،

۱- صحیح بخاری [۳۷۰۴] باب فضایل علی بن ابی طالب.

۲- صحیح بخاری ۵۹۹۴. کتاب ادب.

ابن عمر گفت: شما اگر پدر او را می‌دیدید این را دوست می‌داشتید، پدرش از سر تا پا هفتاد ضربه شمشیر و نیزه خورده بود»^(۱).

و در بخاری از شعبی روایت است که گفت: ابن عمر رضی الله عنهما هرگاه به ابن جعفر سلام می‌کرد می‌گفت: «سلام ای پسر ذوالجناحین (کسی که دو بال دارد)»^(۲).

تمجید مسوره بن مخرمه رضی الله عنه

امام احمد روایت می‌کند: «حسن بن حسن^(۳) به مسور نامه‌ی نوشت و از دخترش خواستگاری کرد، او گفت: شب نزد من بیا، شب وقتی حسن آمد مسور بعد از حمد خدا گفت: هیچ سبب و نسب و وصلتی را از نسب و وصلت شما بیشتر دوست ندارم، اما رسول خدا فرمود: فاطمه پاره‌ی تن من است آنچه او را شاد کند مرا شاد می‌کند و آنچه او را ناراحت کند مرا ناراحت می‌کند، و روز قیامت اسباب قطع می‌گردد جز سبب و نسب من، و زن تو دختر فاطمه^(۴) است، اگر دخترم را به ازدواج شما دریاورم این عمل او را ناراحت می‌کند، و اینگونه با عذرخواهی از او جدا شد»^(۵).

۱- تاریخ دمشق ۱۷۹ / ۲۹.

۲- صحیح بخاری ۳۷۰۹. باب مناقب جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه.

۳- او حسن بن حسن بن علی ابن ابی طالب رضی الله عنه مشهور به حسن مثنی بود.

۴- همسرش فاطمه بنت حسین رضی الله عنه بود.

۵- فضائل الصحابه [۱۳۴۷] و مستدرک حاکم [۴۷۴۷].

نگاه کنید چقدر این صحابی بزرگوار فاطمه دختر پیامبر ﷺ را گرامی می‌دارد که حتی بعد از مرگش به او احترام می‌گذارد و احساسات او را در باره نوه‌اش رعایت می‌کند.

و وصلت با یکی از سران بنی هاشم را از دست می‌دهد.

ابوهریره رضی الله عنه و ستایش از اهل بیت رضی الله عنهم

ترمذی و حاکم از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده اند که گفت: «بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله هیچکسی بهتر از جعفر بن ابی طالب نعال نپوشیده و بهتر از ایشان سوار بر اسب یا شتر نشده است» منظور ایشان همان است که در صحیح بخاری آمده است: «بهترین کس برای فقیران و تنگدستان جعفر بن ابی طالب است»^(۱).

و در مسند ابی یعلی از سعید مقبری روایت است که گفت: با ابوهریره رضی الله عنه بودیم که حسن بن علی رضی الله عنه آمد او سلام کرد و ما جواب سلام را گفتیم، ابوهریره متوجه نشد و رفت، گفتیم: ای ابوهریره این حسن بن علی است که به ما سلام کرد. ابوهریره به دنبال حسن رفت و خود را به او رسانید و گفت: وعلیک السلام یا سیدی. از پیامبر شنیدم که می‌گفت: «او سید است»^(۲).

و حاکم از ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که او با حسن بن علی رضی الله عنه ملاقات کرد و گفت: پیامبر را دیدم که شکمت را بوسید، همان جا را که پیامبر صلی الله علیه و آله

۱- بخاری [۳۷۰۸].

۲- المسند ابی یعلی [۶۵۶۱].

بوسیده بیاور تا ببوسم، آنگاه حسن پیراهنش را دور کرد و ابوهریره بر شکم او بوسه زد^(۱).

و در سیر أعلام النبلاء ذهبی از ابن اسحاق روایت است که روزی که حسن علیه السلام وفات یافت ابوهریره گریه می کرد و با صدای بلند می گفت: ای مردم! امروز محبوب رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات یافت^(۲).

و در سیر أعلام النبلاء از ابی مهزم روایت است: «در جنازه ای بودیم ابوهریره آمد و با لباسش خاک های پای حسین را دور می کرد»، با توجه به تفاوت سنی ابوهریره رضی الله عنه و حسین رضی الله عنه می بینیم که اگر محبت و بزرگداشت و شناخت حق حسین رضی الله عنه نمی بود ابوهریره چنین نمی کرد^(۳).

تمجید زید بن ثابت رضی الله عنه

زید بن ثابت رضی الله عنه چنان ابن عباس رضی الله عنه را گرامی می داشت که اجازه نداد او رکابش را با دست خود نگاه دارد. از ابن عباس روایت است که او رکاب زید بن ثابت را گرفت، زید گفت: کنار باش ای پسر عموی رسول خدا. ابن عباس گفت: ما با بزرگان و علمای خود اینگونه رفتار می کردیم^(۴).

۱- مستدرک حاکم ۴۷۸۵ و مسند احمد ۹۳۴۲. و ارنو و ط اسناد آن را صحیح گفته است.

۲- سیر أعلام النبلاء [۳/ ۲۷۷].

۳- سیر أعلام النبلاء [۳/ ۲۸۷].

۴- مستدرک حاکم ۵۷۸۵ [۳/ ۴۷۸].

انس و براء بن عازب و ابی سعید خدری و تمجید از اهل بیت

براء بن عازب و ابوسعید خدری و انس بن مالک با روایت احادیثی در صفات و فضائل اهل بیت محبت خود با آنان را ابراز داشته‌اند. انس بن مالک می‌گوید: «هیچکسی از حسن بن علی به پیامبر شبیه‌تر نبود»^(۱).

براء بن عازب

ترمذی از براء بن عازب روایت می‌کند که گفت: رسول خدا حسن و حسین را دید فرمود: بار خدایا! من آن دو را دوست دارم تو آنان را دوست مدار»^(۲).

ابوسعید خدری

امام احمد از ابوسعید خدری روایت می‌کند که گفت: پیامبر فرمود: «حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند»^(۳).

عبدالله بن عمرو بن عاص

عبدالله بن عمرو بن عاص علی بن حسین بن علی را می‌ستاید، چنان‌که از رجاء بن ربیع روایت است که گفت: در مسجد رسول خدا بودم که حسین بن علی از آنجا گذشت او سلام کرد و مردم به او سلام گفتند، و عبدالله

۱- صحیح بخاری ۳۵۴۲ فضایل صحابه، باب مناقب حسن و حسین.

۲- سنن ترمذی ۳۷۸۲. کتاب مناقب حسن و حسین.

۳- مسند احمد ۱۱۷۹۴.

بن عمرو سکوت اختیار کرد، پس از آن که مردم ساکت شدند ابن عمرو صدایش را بلند کرد و گفت: وعلیک السلام ورحمة الله وبرکاته. سپس رو به مردم کرد و گفت: آیا شما را خبر ندهم که اهل آسمان از اهل زمین چه کسی را بیشتر دوست دارند؟ گفتند: بله، گفت: این مرد که پشت به ما نموده و می‌رود، سوگند به خدا از روزهای جنگ صفین نه با او حرفی زده‌ام و نه او با من سخنی گفته است، سوگند به خدا اگر از من راضی شود از آن که به اندازه کوه احد طلا داشته باشم بیشتر راضی می‌شوم، آنگاه ابوسعید خدری به او گفت: آیا به سوی او نمی‌روی؟ گفت: بله. پس وعده گذاشتند و نزد او رفتند ابوسعید اجازه خواست، او اجازه داد و ما وارد شدیم و ابن عمرو اجازه خواست و همچنان اجازه می‌خواست تا این که حسین اجازه ورود داد و او وارد شد. ابوسعید که در کنار حسین نشسته بود تکانی خورد تا جا را برای ابن عمرو خالی کند و حسین او را به سوی خود کشاند، ابن عمرو ایستاد و نشست، وقتی حسین دید که چنین است ابی سعید را گذاشت و ابوسعید آن طرف‌تر رفت و جا برای ابن عمرو خالی کرد و ابن عمرو در میان آن دو نشست، آنگاه ابوسعید داستان را تعریف کرد، حسین گفت: آیا چنین است ای ابن عمرو؟ آیا تو می‌دانی که من محبوب‌ترین اهل زمین به پیشگاه اهل آسمان هستم؟ گفت: بله، سوگند به پروردگار کعبه که تو از همه اهل زمین نزد اهل آسمان پسندیده‌تری، گفت: پس چرا روز صفین با من و پدرم جنگیدی؟ سوگند به خدا که پدرم از من بهتر بود. گفت: بله، ولی عمرو از من به پیامبر شکایت برد

و گفت: عبدالله روز روزه می‌گیرد و شب را با نماز سپری می‌کند، آنگاه پیامبر فرمود: نماز بخوان و بخواب روزه بگیر و افطار کن، و از عمر و پیروی کن. روز صفین سوگند خورد، سوگند به خدا سیاهی لشکر آنان را بیشتر نکردم و شمشیری نکشیدم و تیر و نیزه‌ای نزده‌ام. آنگاه حسین به او گفت: آیا نمی‌دانی که در جایی که معصیت خدا باشد نباید از مخلوق اطاعت کرد؟ گفت: بله. گفت: گویا از او پذیرفته است^(۱).

تمجید معاویه رضی الله عنه از علی و سائر اهل بیت رضی الله عنهم

هم اینک در بعضی از نصوص مشاهده خواهید کرد که معاویه رضی الله عنه را می‌ستاید، چنانکه در الاستیعاب ابن عبدالبر آمده است: معاویه رضی الله عنه هر وقت با مساله یا مشکلی مواجه میشد به علی بن ابی طالب نامه می‌نوشت و از او می‌پرسید. وقتی که خبر قتل علی بن ابی طالب به او رسید، گفت: «همانا فقه و علم با مرگ علی بن ابی طالب از دنیا رفت»^(۲).

۱- مجمع الزوائد ۹ / ۲۹۹ (۵۱۰۹). هیشمی گفته است: «طبرانی آن را در الأوسط روایت کرده است، در اسناد این حدیث علی بن سعید بن بشیر وجود دارد که لین دارد و ایشان حافظ هستند. و اما بقیه راویان این حدیث مورد اعتماد هستند». همچنین در مجمع الزوائد ۹ / ۲۸۱ گفته است که بزار این حدیث را از حسن بن علی روایت کرده است، و همه راویان این سند قابل اعتماد هستند بجز هاشم بن برید.

۲- الاستیعاب ۱۸۷۱.

و امام احمد از معاویه رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: «پیامبر را دیدم که زبان یا لب حسین را می‌مکید و زبان و لبی که پیامبر آن را مکیده عذاب نخواهند شد»^(۱).

و از اصبع بن نباته روایت است که گفت: حزار بن ضمیره نهشلی نزد معاویه بن ابی سفیان آمد و به او گفت: علی را برایم توصیف کن! او گفت: مرا ببخش؟ گفت: نه او را توصیف کن، ضرار گفت: رحمت خدا بر علی باد! سوگند به خدا او در میان ما مانند یکی از ما بود و وقتی نزد او می‌آمدیم ما را به خود نزدیک می‌کرد و هیچ مانعی از رسیدن به او نداشتیم و ما سوگند به خدا با این که او به ما نزدیک بود از هیبت و عظمت با او حرف نمی‌زدیم؟ و به خاطر عظمت و هیبتش قبل از او لب به سخن نمی‌گشودیم، هرگاه او تبسم می‌کرد؛ لبخندش چون مروارید به هم پیوسته بود. معاویه گفت: بیشتر از او بگو. ضرار گفت: رحمت خدا بر علی باد، خیلی بیدار بود و کم می‌خوابید، شب و روز قرآن می‌خواند.

می‌گوید: آنگاه معاویه گریه کرد و گفت: کافی است ای ضرار! سوگند به خدا که علی چنین بود، رحمت خدا بر ابالحسن باد^(۲).

۱- مسند امام احمد ۱۶۸۹۴. وارانووط اسناد آنرا صحیح گفته است.

۲- بحار الأنوار ۴۱ / ۱۴ و امالی الصدوق [۶۶۴].

ابن کثیر در البدایه والنهایه از عکرمه روایت می‌کند که گفت: وقتی ابن عباس رضی الله عنهما وفات یافت از معاویه شنیدم که می‌گفت: سوگند به خدا که فقیه‌ترین شخص وفات یافت^(۱).

و در سیر أعلام النبلاء ذهبی آمده است که یزید بن معاویه به حسن به علی فخرفروشی کرد، پدر یزید به او گفت: آیا خود را بالاتر از حسن شمرده‌ای؟ گفت: بله، شاید گمان می‌کنی که مادرش مانند مادر توس و جدش مانند جد توس^(۲).

و همچنین از ابن ابی شیبه روایت است که حسن نزد معاویه رفت، معاویه گفت: جایزه‌ای به تو می‌دهم که به هیچکسی ندادهام، و چهار صد هزار به حسن داد و او قبول کرد^(۳).

و ابن عساکر در تاریخ دمشق روایت می‌کند که عبدالملک بن مروان گفت: از پدرم شنیدم که می‌گفت: از معاویه شنیدم که می‌گفت: بنی هاشم دو مرد هستند، پیامبر صلی الله علیه و آله که دارای همه خوبی‌هایی است که گفته می‌شود، و عبدالله بن جعفر رضی الله عنه که دارای هر افتخار و شرافتی است، سوگند به خدا او از همگان در به دست آوردن هر افتخاری گوی سبقت را بوده است، و او سر نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله سر چشمه گرفته است.

۱- البدایة والنهایة [۸ / ۳۰۱].

۲- سیر أعلام النبلاء ۳ / ۲۶۰.

۳- سیر أعلام النبلاء ۳ / ۲۶۹.

سوگند به خدا گویا افتخار و شرافت در جایی است که هیچکسی به آن دسترسی ندارد، اما عبدالله در وسط آن قرار دارد^(۱).

خاتمه

بعد از بررسی این نصوص خجسته به وضوح روشن است که چقدر صحابه و اهل بیت روابطی محکم و صمیمانه داشته اند، و چقدر یکدیگر را برای رضای خدا و رعایت خویشاوندی پیامبر ﷺ دوست و گرامی می‌داشتند.

هرکس که دین و ایمانش را دوست دارد، باید بداند که محبت اهل بیت و صحابه فرض و واجب است، و توهین به آنان انحراف از شیوه و راه آنان است و انسان با توهین به آن بزرگان در حقیقت خود را در معرض عذاب الهی قرار می‌دهد. آنچه گفته شد پندی است برای آنانی که از عذاب می‌هراسند و به پاداش الهی امید بسته اند و می‌دانند که بازگشت به سوی خداست.

بار خدایا! محبت و اطاعت از صحابه و اهل بیت را از تو می‌جوئیم و ما را با آنان محشور بگردان آمین.

من إصداراتنا More Others

